

پیام سندیگا



شماره ۴۲

سال ششم / آذر ۱۳۹۴

نشریه سندیگاهای کارگری ایران

پیام سندیگا پیام آور سندیگاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیگایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

سرپیام

نامه سرکشاده به ریاست قوه قضایه

۵ آذر روز جهانی لغو خشونت علیه زنان پُر طنین باد!

بسته پیشنهادی دولت و مشکلات پیش رو

پرونده سازی و آزار و اذیت و زندانی کردن کارگران محکوم است

حمله مسلحانه به خوابگاه کارگران در نخل تقی

در دفاع از صلح در خاورمیانه

گزارشهای خبرنگاران پیام سندیکا

در پاریس جنوبی

بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است!

نامه رضا فراهانی کنگرانی به پیام سندیکا

کوشندگان کارگری و زندگی در روزهای رکود

مشکلات کارگران نقاش

علیپور با «گفتش‌های پاره» هم قهرمان جام جهانی سنگنوردی شد

مصاحبه عبدالله وطنخواه کارگر فلزکار

تشکیل طبقات اجتماعی به زبان ساده بخش دوم

فعالیت‌های سندیکایی را چگونه شروع کنیم!

ویژه نامه ۵ آذر روز جهانی برای معو خشونت علیه زنان

گزارشی از کمپین حمایت از کودکان کار در برابر سرما

پیام سندیکا

ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران

کاری از کارگران سندیکایی ایران

بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری

در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

sfelezkar1961@gmail.com

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com



سرپیام

طی هفته‌های گذشته همچنان خبر بیکار سازی و عدم پرداخت حقوق چند ماهه عقب افتاده کارگران باز هم تیرتیر اول خبرگزاری‌ها بود. شوربختانه آنچه برای نمایندگان مجلس، قانون گذاران و حتا ریاست جمهوری در طی این ۲ سال و سالهای اخیر به هیچ وجه مورد تامل قرار نگرفته خواسته‌های بر حق ما کارگران بوده است. اینکه بیش از ۸۰ درصد جامعه ایران ۳ برابر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از بهداشت و درمان مناسبی برخوردار نیستند، اینکه اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر زدودن فقر از سیمای جامعه پس از ۳۷ سال نه تنها کاهش پیدا نکرده است بلکه فاصله طبقاتی هر روز افزایش می‌یابد. از تحصیل رایگان فرزندان ایران طبق اصل ۳۰ و تعمیم بیمه تامین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی طبق اصل ۲۹ قانون اساسی هنوز خبری نیست و معلوم نیست که چه زمانی محقق خواهد شد. بیکاری و به موازات آن فقر، فحشا، کودکان کار، همچنان چهره کشور کارگرمایان ایران را سخت رنجور کرده است.

در همین حال فشار بر کارگران هر روز افزایش می‌یابد. طی بخشنامه‌ای که دادگستری کل استان خوزستان در آبان ماه امسال در پی تجمعات کارگران پتروشیمی برای طبقه بندی مشاغل، بازنشستگی با قانون مشاغل سخت و زیان آور و افزایش ۳۰ درصدی حقوق و حقوق‌های عقب افتاده صورت گرفت، آنان تهدید به برخورد قضایی شدند.

ما از قوه قضاییه و دادگستری استان خوزستان می‌پرسیم که در حوزه دادگستری شما کارگران عسلویه ۶ ماه به ۶ ماه حقوق نمی‌گیرند برای جلوگیری از این ستم هر روزه به کارگران چه کرده اید؟ شما اگر به جای این کارگران بودید چه می‌کردید؟ آیا شما اصل ۲۷ قانون اساسی دایر بر آزادی تجمعات را نخوانده اید که این گونه حکم می‌دهید و قانون را نادیده می‌گیرید؟

بی‌تردید آنچه در این سال‌ها روی داده و از این پس هم روی خواهد داد سرکوب هرگونه اعتراضات کارگری است. همه حرف و حدیث دولت و وزارت کار معطوف به از میان برداشتن قوانین حمایتی از کارگران است. آنان برای تشویق سرمایه‌گذاران و ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌داران باید خواسته‌های بر حق کارگران را نادیده بگیرند. نسخه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول به دولت‌ها در سالهای بعد از جنگ عراق، تهیه کارگر ارزان و برده وار - قانون زدایی از جامعه کارگری - و نابودی همین قانون کار نصفه و نیمه و قانون‌های حمایتی از کارگران در قانون اساسی است. برای متوقف کردن این روند باید با آگاه‌سازی دیگر کارگران از این برنامه‌های ضد کارگری این حمله را ناکام گذاشت.

دوستان کارگر، آنچه به ما مربوط است اتحاد در برابر ستم‌هایی است که برخلاف قانون اساسی و طی بخشنامه‌هایی بر ما روا داشته می‌شود. کافی است دستهایمان را به یکدیگر داده از حقوقمان دفاع کنیم. برادران سندیکایی در میان شما هستند کافی است دست خود را دراز کنید تا دستان گرم شما را بفشارند. باید متحد شد و این حرکت‌های ضد کارگری را ناکام گذاشت. تصمیم با ماست!

تحریریه پیام سندیکا

«طبقه بندی مشاغل به منظور افزایش مزد کارگران متخصص و با تجربه از وظایف کارفرما و حق کارگران است.»

«مواد ۴۷ و ۴۸ قانون کار»

نامه سرگشاده به ریاست قوه قضاییه

حضور جناب آقای لاریجانی رییس قوه قضاییه

با سلام، بخشنامه ای در ۳ آذر ماه ۱۳۹۴ از دادگستری کل استان خوزستان روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت که اعتراضات کارگری استان را به برخورد قضایی تهدید نموده است.

با توجه به اصل ۲۷ قانون اساسی در «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون سلاح و به شرط آنکه مخل به میانی اسلام نباشد، آزاد است» و صراحت قانون در آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها از شما می‌خواهیم ضمن برخورد قانونی با رییس دادگستری استان خوزستان به دلیل زیر پا نهادن قانون اساسی، این بخشنامه ضدکارگری را لغو کنید تا پایه ای برای برخورد با اعتراضات کارگری در سراسر کشور قرار نگیرد.

همچنین تمهیداتی اتخاذ شود که اینگونه بخشنامه‌ها که قانون اساسی را نادیده می‌گیرند، قبل از صدور کارشناسی و سپس ابلاغ شود.

با احترام

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۹۴/۹/۷

۵ آذر روز جهانی لغو خشونت علیه زنان پُرِ طنین باد!

فعالیت برای رفع خشونت علیه زنان تنها در یک روز آن هم ۵ آذر هر سال کافی است؟ و نباید در تمام سال از آن خبری باشد؟ در کشور ما و در محیط‌های کاری که زنان فعالیت می‌کنند، چه کارخانه‌ها و چه بیمارستان‌ها و چه کارگاه‌های کوچک موارد زیادی از خشونت دیده می‌شود. در خط تولید کارخانه سوپا که لوازم پزشکی تولید می‌کند سرپرست‌ها از لگد زدن و فحاشی و حتا مو کشیدن زنان کارگر ابایی ندارند. در بیمارستان‌ها برخورد‌های خشن با پرستاران و بهیارها، چه از طرف همکارانشان و چه از سمت بستگان بیمار دیده می‌شود. در محیط‌های هنری مانند سینما و تلویزیون آزارهای زیادی به زنان درگیر این گونه کارها رُخ می‌دهد. آیا فقط این موارد خشونت علیه زنان است؟ آیا اگر ریحانه جبّاری برای دفاع از شرفش، پزشک متجاوز را بکشد و سپس اعدام شود، خشونتی صورت نگرفته؟ اگر نرگس محمدی برای احقاق حق خود و دیگران دست به اعتراض بزند و سپس دستگیر و به زندان برده شود، خشونتی اعمال نشده؟ آیا اسیدپاشی‌های صورت گرفته در اصفهان خشونت علیه زنان نیست؟ آیا حمله به زنانی که در حمایت از شوهران اعتصابی‌اشان در معدن بافق به سر می‌بردند، از طرف عوامل امنیتی تهدید شدند، خشونت نیست؟ دستگیری فعالین کارگری در جلوی چشم همسر و فرزندانشان در نیمه شب خشونت علیه زنان نیست؟ آیا کشتن زنان و تجاوز به آنان در عراق، سوریه و کوبانی از سوی مزدورانی که به صورت سازماندهی شده وارد جنگ علیه منطقه خاورمیانه شده اند، خشونت نیست؟ آیا کالایی کردن زنان در نظام سرمایه داری و استفاده‌های تجاری و سکسی از آنان، که بزرگترین سودهی در جهان است، خشونت نیست؟ آیا پرداخت نکردن حقوق کارگران زن در محیط‌های کاری و پرداختن نصف و در بعضی مواقع کمتر از نصف دستمزد یک کارگر مرد در مقابل کار مساوی مردان در حق زنان و دختران کارگر، خشونت نیست؟ برخیزیم و همگام با خواهران و همسران و دخترانمان به این ظلم اعتراض کنیم. تحریریه پیام سندیکا

بسته پیشنهادی دولت و مشکلات پیش رو

بسته پیشنهادی رییس جمهور برای برون رفت از رکود کنونی کشور، به مسایل اساسی که عامل این رکود می باشد، نپرداخته است. این بسته پیشنهادی بیش از مشکلات کشور از سرمایه داری مالی حمایت کرده که باعث افزایش فساد و نابودی صنعت در این سالها بوده است. سرمایه داری مالی با نفوذ در دولتهای پس از جنگ از سالها پیش سیاست های مخرب خود را اجرایی کرده و عامل اصلی تنش در سیاست خارجی و پیش بردن سیاست های جنگی برای ایجاد بستر تحریم ها علیه کشور و رشد دلالی در اقتصاد کشور می باشد. سرمایه داری مالی که در سیستم بانکی لانه کرده و با سفته بازی و نزول خواری آشکار نبض بازار و دولت را در دست گرفته، در این سالها باعث اختلاسهای کلان و رواج فساد های اجتماعی بیشماری گردیده است. در آخرین نمونه ها خاوری از بانک ملی، بایک زنجانی از وزارت نفت، آریا از فولاد، ضراب دلال نفتی، را می توان نام برد، که با حمایت سرمایه داری مالی و بردن ثروت زحمتکشان ایران به خارج از کشور باعث فلاکت روز افزون زحمتکشان ایران شده اند و باید همه مردم ایران جبران این غارت را با گرانی، دادن مالیات، کم کردن بودجه آموزش و پرورش و بهداشت از طرف دولت را به دوش بکشند. در بسته پیشنهادی موضوع جلوگیری از واردات بی در و پیکر که باعث نابودی صنعت، کشاورزی و دامداری گردیده است دیده نمی شود. چرا که بستن گلوگاه واردات، باعث نابودی سرمایه داری دلال می شود که بیشتر این دلالان از وابسته گان در هرم قدرت و دولت می باشند. نمی توان تصور کرد که ما موشک عماد را تولید و به هوا بفرستیم اما از تولید چوب بستنی، دسته بیل، سنگ قبر، کش شلوار، پوست خربزه، الاغ، تسبیح و ناتوان و عاجز باشیم. در این بسته پیشنهادی موضوع گرفتن مالیات از سرمایه داران و نهادهایی که از قالب فرهنگی و سیاسی خود خارج شده و به بنگاههای اصلی تجارت مخفی با اسکله های غیرقانونی درآمده اند،

پرداخته نشده است. یعنی همان مافیایی که در بالا ذکر کردیم و نبض اقتصاد و شبکه پولی را در اختیار دارد.

در این بسته پیشنهادی، تزریق پول نه بصورت مستقیم به صنعت بلکه به سیستم بانکی حواله شده تا با این پول به مافیای واردات و دلالتان کمک کند. متأسفانه عدم نظارت دقیق بر عملکرد بانک ها ، باعث گردیده بانکها به محلی برای رشد بشوند. تزریق پول به بانکها و سپس دادن آن به صنعت گران با دادن وام های کلان که در اختیار عده ای مشخص قرار می گیرد ضعف اساسی این بسته پیشنهادی بوده و باز هم در به همان پاشنه خواهد چرخید و پول ها به جای صنعت و تولید در اختیار دلالتان وابسته به شبکه مافیایی قرار خواهد گرفت.

از همان اوایل انقلاب دولت ها بیشترین مقاومت را در بالا بردن دستمزد کارگران به عنوان کارفرمای بزرگ را داشته اند و باعث اصلی رکود و عدم گردش مناسب کسب و کار شده اند. چرا که دستمزد مناسب باعث باز بودن دست ۹۰ درصد مردم ایران می شد و این به گردش پول در بازار و رونق کسب کار منجر می شد. یکی از مسائلی که دولت به شدت به دنبال آن است ایجاد بستری برای سرمایه گذاری خارجی است که ما نیز از آن استقبال می کنیم. سالهاست که دولت های پس از جنگ به دستورات ضدکارگری صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی گردن نهاده سیاست های ضد مردمی دیکته شده از طرف آنان را اجرا می کنند تا سرمایه خارجی به ایران آمده و سرمایه گذاری کند تا اشتغال زایی صورت بگیرد. اگر اتخاذ سیاست های اقتصادی و تغییرات در قوانین به تبع آن سیاستها منجر به ایجاد اشتغال با هدف توسعه پایدار گردد و استقلال کشور و کرامت انسانی مردم را حفظ کند بی تردید پذیرفتنی است اما چه ضمانتی وجود دارد که وقتی اجازه سرمایه گذاری و مدیریت خارجی را واگذار می کنیم آنان به قوانین ما تمکین کنند؟ وقتی شما مناطق آزاد تجاری را در تمامی کشور گسترش می دهید و این

مناطق از هیچ قانون کارگری و قانون کاری تبعیت نمی کنند، چگونه می توانید از حقوق کارگران و مردمی که در این مناطق زندگی می کنند پاسداری کنید؟ آیا بازم پای کاپیتالاسیون را به کشور می خواهید باز کنید؟ و از همه مهمتر به موضوع دستمزدها، سندیکاهای کارگری، امنیت شغلی و بهره وری هیچ اشاره ای نشده است. در سالهای اخیر موضوع بهره وری در صنعت را سرمایه داری به خوب کار نکردن کارگران مربوط دانسته است. اما کسی نیست از این آقایان بپرسد که با قانونی کردن قرار دادهای موقت، کارگری که می داند پس از پایان مدت قرارداد بین یک ماه تا زیر یک سال باید ناخواسته ترک کار کند انگیزه ای برای مشارکت در افزایش بهره وری نخواهد داشت. آیا بهره وری را تنها از نیروی کار باید خواست؟ آیا نوسازی صنعت، آموزش کارگران قبل و در حین کار، امنیت شغلی را نباید در این مجموعه هم در نظر داشت. اینکه چه عوامل فنی و مدیریتی در کاهش بهره وری تعیین کننده است؛ در هیچ جای بخش مربوط به بازار کار در این سالها از طرف دولت ها و بخصوص وزارت کار دیده نمی شود. واقعیت آنست ناکارآمدی ناشی از نقش عوامل فنی و تکنولوژیک و هم مدیریتی به عنوان دو رکن اصلی که در ارتقای بهره وری تأثیرات تعیین کننده ای دارند به دلیل روابط کار ناسالم در بازار کار ایران همواره پنهان مانده است. سیستم ناکارآمد مدیریت که میدان را برای ایجاد فساد در فرایند تولید فراهم می سازد همواره به عنوان اصلیترین عامل ضد بهره وری کارکرد داشته است. نمونه و مصداق واقعی آنرا در بررسی کاهش کیفیت خودرو ساخت داخل که اتفاقا این روزها بسیار سر و صدا کرده است می توان بیان کرد. ممکن نیست این فساد لانه کرده در تمام سطوح مدیریتی واحدهای خودرو سازی که رکن اصلی صنعت ایران است را با کاهش دستمزدها و افزایش آنچه ارتقای کارآمدی نامیده می شود؛ جبران کرد مگر آنکه انگیزه های واقعی برای مشارکت سودمند کارگران در سیستم مدیریت از راه ایجاد انگیزه های مادی و معنوی را فراهم ساخت.

عملکرد دولت و وزارت کار آقای روحانی ، برخلاف گفته ها و وعده هایشان که همان عمل به قانون بوده، عمل شده و نه تنها به قانون عمل نشده، بلکه دست نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات برای برخورد با کوشندگان سندیکایی و کارگری باز گذاشته شده است. وزارت کار با سازمان بین المللی پول در نشست ها از قانونی بودن فعالیت سندیکاهای کارگری گفتگو می کند و در داخل برای سرکوب و تضعیف آنها از انجمن های صنفی که وابسته به وزارت کار هستند و نشان داده اند که در این سالها قدمی برای زحمتکشان برنداشته اند ، حمایت می کند. در سال گذشته برخورد توهین آمیز وزیرکار با نمایندگان کارگری و وادار نمودن آنها به پذیرش خواسته وزیر که نمایندگان کارفرمایی او را نماینده خود در تصویب دستمزد سال ۹۴ نموده بودند مثتی نمونه خروار است. هرچند که نماینده به اصطلاح کارگری در مجلس بارها و بارها به نمایندگان کارگری گفت که حتما افزایش دستمزد ۱۰ درصدی را بپذیرند ، نمایانگر همسو بودن وزیر و نماینده کارگری و کارفرمایان با هم است.

متاسفانه با سیاست تضعیف، سرکوب و زندانی نمودن کارگران سندیکایی ، ترس دولت از بازگو شدن خواسته های کارگران توسط زبان گویای این تشکل های کارگری چه در سطح بین المللی و چه در سطح داخلی ، با شدت اجرا شده تا سیاست هایشان با اعتراض سازماندهی شده طبقه کارگر روبرو نشود و دست دزدان بین المللی برای غارت ایران توسط شبکه بانکی باز باشد.

ما اعلام می کنیم که برای برون رفت از بحران کنونی باید در قدم نخست این موارد لحاظ شود تا تحولی در اقتصاد صورت گیرد:

۱- واردات فقط شامل کالاهایی شود که در ایران فعلا تولید نمی شود و یا در آینده ای نزدیک قابل تولید نیستند.

۲ - سیستم مالیاتی با گرایش هر که بیشتر از منابع انسانی و مالی استفاده می کند ، باید بیشتر مالیات بدهد با نظارت دقیق بازرسان مالیاتی پاک دست

سازماندهی شود تا سرمایه داران و شبکه های مخفی مالی ، مالیاتی در خور کارکردشان را به دولت بدهند.

۳ - سرمایه گذاری خارجی با شرط توسعه پایدار و آمدن تکنولوژی به ایران و رعایت قوانین کارگری باید لحاظ شود.

۴ - آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری و پذیرش و رعایت بی‌قید و شرط مقاوله نامه‌های بنیادین سازمان بین المللی کار و از آن جمله مقاوله نامه ۸۷ در باره حق تشکل و مقاوله نامه ۹۸ درباره قراردادهای دسته جمعی . تا با اهرم سندیکاهای کارگری قانون کار فعلی و بخش حقوق ملت مندرج در قانون اساسی به خوبی اجرا شده و از سو استفاده سرمایه داری داخلی و خارجی جلوگیری شود .

۵ - با نظارت کامل سندیکاهای کارگری به منظور بالا بردن بهره وری ، سیستم آموزش قبل و در حین کار به کارگران راه اندازی شده و با حذف قراردادهای موقت و سفید امضا، امنیت شغلی و روحی و روانی کارگران به آنان برگردانده و اخراج های غیرقانونی و بیکاری کارگران را متوقف کرد. همچنین با اراده کارگران راه اندازی واحدهای تولیدی که در اثر خرابکاری سرمایه داری مالی و صنعتی تعطیل شده اند، بازسازی و راه اندازی شود.

۶ - بالا بردن سیستم مدیریتی و تکنولوژیک برای ایجاد بستر لازم برای ارتقا سطح کیفی و کمی تولیدات جهت رقابت با کالاهای خارجی و ایجاد کارخانه های لازم برای قطع ورود کالاهایی که ساخت آنان در توان جوانان ایرانی است. و همچنین قطع موارد مالی به ارگان ها برای ارزان نمودن کالاها و ایجاد قدرت خرید برای مردم و رقابت با کالای خارجی مشابه، تا کارفرمایان اعم از دولتی یا خصوصی برای توجیه ناکارآمدی خود در رفع موانع تولید از راه مبارزه با فساد در زیرمجموعه مدیریتی خود و در بهینه سازی در امکانات فنی و تکنولوژیک برای ارتقای بهره وری؛ به بهانه نداشتن سود

مناسب و نداشتن امنیت برای سرمایه؛ تمامی سختی در روابط کار را به کارگران و دستمزدها و قوانین و مقررات نسبت ندهند.

امیدواریم گوش شنوایی برای این پیشنهادات باشد. همچنین از همه سندیکاهای کارگری و اقتصاددانان مردمی دعوت می کنیم برای ارتقا این پیشنهادات و بالا رفتن آگاهی طبقه کارگر از سرنوشتی که مهار نکردن این بحران ببار خواهد آورد به ما یاری برسانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۸/۵

«واردات فقط شامل کالاهایی شود که در ایران فعلا تولید نمی شود و یا در آینده ای نزدیک قابل تولید نیستند»

«سرمایه گذاری خارجی با شرط توسعه پایدار و آمدن تکنولوژی به ایران و رعایت قوانین کارگری باید لحاظ شود.»

«آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری و پذیرش و رعایت بی قید و شرط مقاوله نامه های بنیادین سازمان بین المللی کار و از آن جمله مقاوله نامه ۸۷ در باره حق تشکل و مقاوله نامه ۹۸ درباره قراردادهای دسته جمعی»

پرونده سازی و آزار و اذیت و زندانی کردن کارگران محکوم است



روز یکشنبه ۱۷ آبان جعفر عظیم زاده از اتحادیه آزاد کارگران ایران که به شش سال زندان محکوم شده است ، جهت اجرای حکم، خود را به اجرای احکام دادسرای اوین معرفی کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هر گونه فشار، پرونده سازی و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری را محکوم می کند و خواستار آزادی بی قید و شرط ایشان و دیگر کارگران زندانی می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۸ آبان ۱۳۹۴

ما ضمن حمایت از اطلاعیه سندیکای برادر ، هرگونه محدودیت و فشار بر علیه کوشندگان کارگری را محکوم می کنیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۱۸ آبان ۱۳۹۴

حمله مسلحانه به خوابگاه کارگران در نخل تقی

نخل تقی شهرکی است چسبیده به عسلویه، یکی از درآمدهای این شهرک بندری، علاوه بر ماهی‌گیری و کارگری در کشتی‌های ماهی‌گیری (جاشویی) برای حمل بارهای تجاری، باشیخ نشینان آن سوی آب. اجاره دادن خانه به کارگرانی است که با خانواده در این منطقه صنعتی زندگی می‌کنند. برخی شرکت‌ها نیز با اجاره کردن تعدادی خانه در یک کوچه خوابگاه‌های کارگری را تشکیل داده اند. مردم بومی نخل تقی عرب زبان و شافعی مذهب هستند. نزدیک به ۳ سال در این شهرک و در کنار مسجد عمر بن خطاب در خوابگاه زندگی کردیم ولی هرگز در این مدت برخوردی نامناسب توسط سه خوابگاه ما یا مردم بومی، پیش نیامد، روابط دوستی این گروه از نیروی کار با مردم بومی آن میزان دوستانه بود که از ما دعوت به رفت و آمد به خانه هایشان را می‌کردند، و گاهی غذاهای بومی را به خوابگاه‌ها می‌فرستادند. ولی تغییرات به مرور به وجود می‌آیند و بعد به صورت جهشی خود را نشان می‌دهند. روند گرانی، کم بازدهی کار ماهی‌گیری که کار اکثر مردم بومی است، به دلیل قایق‌های کوچک و عدم همیاری دولت، با مردم کم درآمد، فقر و گرانی که دولتی‌ها با آمار پردازش شده، می‌خواهند از دید مردم پنهان کنند؛ دوری و به مرور نفرت از ساختار دولت‌های مدافع ۱ در صدی جامعه را، بنا نهاد. در اینجا هم مانند ۹۹ درصد جامعه ایران، جوانان (دختر و پسر) ناتوان از اشتغال و تشکیل خانواده و ایجاد یک زندگی ساده هستند. از این رو به مرور از این ساختار که ناتوان از حل مشکلات اجتماعی است، فاصله می‌گیرند. شیعه‌ها به سوی نگرش‌های دیگر شیعی... گرایش می‌یابند و یا، به سوی دیگر ادیان. و تسنن، به صورت پنهان از طریق نهادهای مذهبی جذب و هابی گری می‌شوند، که با فرستادن پول از آن سوی آب به خانواده‌های کم درآمد کمک مالی می‌کنند. (مانند پرداخت هزینه ازدواج و تشکیل خانواده) سیر این جریان به مرور، نیروی جدیدی را به وجود می‌آورد که کور و کر، علت این کاستی‌ها را نه در نوع مناسباتی که دولت‌های پس از جنگ و سرسپرده

سرمایه‌داری کار بردی کرده‌اند می‌دانند، بلکه علت آن را به نوع مذهب نسبت می‌دهند؛ به گونه‌ای که شایعه رفتن ۵۰ جوان از منطقه شافعی مذهب به گروه داعش برای دریافت حقوق‌های کلان در میان مردم این منطقه وجود دارد. درگیری‌های اخیر با کارگران و حمله مسلحانه به خوابگاه کارگران این شایعه را تقویت کرده است.

چند ماهی بود که کارگران اعلام می‌کردند شب‌ها و هنگام خرید از بازار در کوچه‌ها بوسیله برخی موتور سواران مورد حمله قرار می‌گیرند. به نیروی انتظامی شکایت بردند ولی پاسخ آنها این بود: **شما هم آنها را بزنید.** تکرار حمله‌ها ابعادی خطرناک گرفت و چند کارگر با چاقوی موتور سواران زخمی شدند. پولهای وهابی‌های آن سوی آب برای شافعی‌های فقیر این سوی آب برای تدارک مقدمات تشکیل خانواده در میان جوانان، توسط امام‌های جماعت روند این ناهنجاری‌ها را شدت بخشید، آیا بذر و هسته‌ی گروه‌های داعشی بدین وسیله در ایران درحال پاشیدن است؟! این روند را باهیچ بگیر و به بندی نمی‌توان سر کوب کرد و مانع گسترش آن شد. زیرا ریشه این روند در بی‌عدالتی اقتصادی است که دولت‌های پس از جنگ به صورت خزنده و با حذف غیر قانونی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران انجام داده‌اند و می‌دهند. درست مانند ماده ۱۰ ای که رضا خان بی‌سواد و قلندر به قانون اساسی مشروطه ایران وارد کرد و دیکتاتوری پهلوی را با این ترفند به گور سپرد.

به هر حال کارگران که از همه سو زیر فشار پیمانکاران و بی‌اعتنایی دولت با قانون زدایی از بازار کار هستند. مجبور شدند خود اجرای قانون مدنی – قضایی را به عهده بگیرند. بدین صورت، برای این جوانان داعشی کمین گذاشتند و آنها را با موتور هایشان دستگیر و مضروب نموده و تحویل نیروی انتظامی نخل تقی دادند. در نهایت نیروی انتظامی این جوانان را آزاد کرد. شب پس از آزادی، یک گروه ۲۰ نفری از این افراد با قمه و چاقو و یک مسلسل یوزی و کلت به خوابگاه کارگران حمله می‌کنند. کارگران با سنگ و

چوب به دفاع می‌پردازند، مهاجمان با شلیک اسلحه‌ی گرم، رگبار یوزی و کلت وارد حیاط خوابگاه می‌شوند و یکی از کارگران را با ضربات قمه و چاقو به سر، کتف، دست‌ها و پاهایش به شدت مضروب می‌کنند. کارگر مزبور به اغما می‌رود. پس از رساندن او به درمانگاه حقیر این منطقه صنعتی، مجبور شدند او را به شیراز اعزام کنند، دیگر از وضعیت او اطلاعی در دست نیست.

پس از کشتار ۵ تن از کارگران هفشجانی ایران در عراق به دست داعش و یکی دو ماه بعد، قتل ۴ کارگر نصب پایه‌های فشار قوی برق در عراق، اینک نوبت به عسلیوه رسیده است. هسته‌های خشم کور از سیستان و بلوچستان و خوزستان به سواحل خلیج پارس رسیده است. این حوادث بیانگر یک چشم انداز تیره و تار است که راه حل آن در دستان سازمان اطلاعات یا نیروی انتظامی نیست. راه حل این واقعیت‌های اجتماعی در بازگشت از مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی است، که چرخهای زندگی مردم را در هم شکسته تا چند دلال و واسطه با فرصت طلبی به غارت منابع ملی ایران بپردازند. آقایان اصول گرا و به اصطلاح اصلاح طلب؛ راه مبارزه با امپریالیست مشت گره کردن و در توهم مشت بر دهان او زدن نیست، راه مبارزه استقلال اقتصادی است، که شما از یک سو در شکل با امپریالیسم می‌جنگید ولی با پیاده کردن مناسبات اقتصادی امپریالیستی پای او را برای دخالت در سرنوشت این ملت باز می‌گذارید، و به سادگی در دستان فرا ماسیونهای سرمایه‌داری جهانی شکل مورد نظر آنها را به خود می‌گیرید. و باید طی این ۳۷ سال به این شناخت رسیده باشید که استقلال اقتصادی، بدون آزادی و مشارکت همه‌ی مردم ایران در سرنوشتشان هم غیرممکن است، آزادی که قانون اساسی انقلاب مردمی ۲۲ بهمن بر آن تاکید دارد.

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های ایران، ۲۰ مهرگان ۹۴

در دفاع از صلح در خاورمیانه



با خبر شدیم که به دعوت اتحادیه‌های کارگری و دوستداران صلح در ترکیه گردهمایی باشکوهی در مقابل ایستگاه راه‌آهن آنکارا در روز ۱۸ مهر، برابر با ۱۰ اکتبر، برپا شده بود که هدف دو حمله تروریستی قرار گرفت و بر اثر آن متأسفانه بیش از ۱۰۰ نفر از صلح دوستان کشته و تعداد زیادی به شدت زخمی شدند.

دولت ضدکارگری اردوغان از مدّت‌ها پیش و از زمان رخدادهای میدان «قزی» مشت آهنین و پلیید خود را به صلح‌دوستان و طبقه کارگر ترکیه نشان داده است. اردوغان که مانند پیشینیان خود فقط به سود می‌اندیشد، از وحشی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین گروه تروریستی به منظور دستیابی به منابع نفتی و ژاندارم منطقه شدن حمایت کرده و عراق و سوریه را درگیر جنگ فرسایشی و ویرانگری کرده است. حتّاً پا را از این نیز فراتر گذاشته است و تلاش دارد که داعش را به سمت مرزهای ایران براند. متأسفانه به علّت نابخردی سیاستمداران قدرتمند در ایران روند رخدادها دارد به سوی می‌رود

که جنگی بین ایران و عربستان برافروخته شود که سودش به حساب‌های سرمایه سالاران جنگ طلب جهانی ریخته خواهد شد.

به راه انداختن و ادامه جنگ و خونریزی در یمن و فرستادن پول و اسلحه از طرف قطر و عربستان برای داعش، که با همدستی اردوغان انجام می‌شود، نیتی جز به آتش کشیدن منطقه و غارت کردن بشکه‌های نفت با ارزان‌ترین قیمت توسط کمپانی‌های غول‌پیکر نفتی ندارد. برای دولت اردوغان جان انسان‌ها در سوریه، ایران، کوبانی، یمن، و آنکارا پیشیزی ارزش ندارد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران همگام با خواهران و برادرانش در فدراسیون‌های سندیکا‌های کارگری ترکیه «دیسک» و «کیسک»، و به‌ویژه سندیکای فلزکار مکانیک ترکیه، کشتار هولناک طرفداران صلح و پیشرفت در این کشور را محکوم می‌کند، استقرار صلح در همه کشورهای خاورمیانه را خواستار است، و به پایداری قهرمانانه معترضان در برابر دولت ضدکارگری اردوغان و جنگ‌طلبان درود می‌فرستد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۹ مهر ۱۳۹۴،

برابر با ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵



پیام رسیده از «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری بخش عمومی (دولتی) ترکیه» (کیسک)



در پاسخ به اطلاعیه‌ای که از طرف سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در روز ۱۹ مهرماه برابر با ۱۱ اکتبر ۲۰۱۵ منتشر شد، از طرف هیئت اجراییه کیسک اخیراً نامه‌ای خطاب به سندیکا دریافت شده است که متن آن به قرار زیر است:

رفقای عزیز،

ما، در مقام سازمان‌های کارگری و انجمن‌های حرفه‌ای اصلی در ترکیه، به منظور مطرح کردن صدای خود در رابطه با اوضاع پرهرج و مرج و درگیری‌های فعلی، فرا خوانی برای برگزاری یک تظاهرات صلح دادیم. هدف این تظاهرات مقابله با جو و فضای جنگ و بیان خواسته‌های مان در رابطه با صلح و دموکراسی بود. ما می‌خواستیم از طریق برگزاری چنین تجمعی، بر ارتباط مستقیم بین حقوق کارگران و صلح تاکید کنیم.

با این حال، تجمع صلح در آنکارا در روز شنبه ۱۰ اکتبر (۱۸ مهرماه) که توسط «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کارمندان دولتی» (کیسک)، «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری پیشرو ترکیه» (دیسک)، «اتحادیه مجمع‌های مهندسی و معماران ترکیه» (تموب) و «انجمن پزشکان ترکیه»

(تتب) فرا خوانده شده بود و در آن بسیاری از احزاب سیاسی، سازمان‌های دموکراتیک و ده‌ها هزار نفر از مردم که خواهان مساوات و برابری، آزادی، دموکراسی و صلح بودند شرکت داشتند، مورد حمله قرار گرفت. این خونین‌ترین تهاجم و حمله در تاریخ جمهوری ترکیه بود. ما صد نفر از دوستانمان را در این قتل عام بی‌رحمانه از دست دادیم. بسیاری بیشتر در بیمارستان‌ها تحت مداوا هستند.

هدف مهاجمان روشن است: هدف نیروی کار و کارگران است. هدف صلح است. هدف دموکراسی است! ما جلوی هر گونه تلاش برای پوشاندن و به فراموشی سپردن این قتل عام را خواهیم گرفت. ما همچنان به مبارزه خود به منظور حصول اطمینان از افشاء همه نیروهای سیاه اندیش و تبهکاری که پشت این حمله؛ به ویژه دولت، که به لحاظ سیاسی مسئول است و برای اطمینان از اینکه همه آن‌ها به محکمه عدالت سپرده شوند، ادامه خواهیم داد. صرف‌نظر از هزینه‌ای که متحمل خواهیم شد، ما در مبارزه مان برای حقوق کارگری، صلح و دموکراسی گامی به عقب بر نخواهیم داشت.

ما همه، در همبستگی، برای ادامه مبارزه‌ای که توسط دوستان مان - که زندگی خود را در جریان این حمله وحشیانه و خشونت آمیز از دست دادند - به جریان افتاد، و برای گرامی داشت خاطره آنان، با هم خواهیم بود!

ما مراتب تشکر خود را از همبستگی و ابراز حمایت شما در این روزهای دشوار ابراز می‌کنیم.

**در همبستگی هیات اجرایی
کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری بخش
عمومی (دولتی) ترکیه» (کیسک)**

گزارشهای خبرنگاران پیام سندیکا:

جابر بیابانگرد، خبرنگار پیام سندیکا از
مشکلات رانندگان می گوید:



رانندگان ترانزیت و موضوعی به نام رشوه در گمرک

رانندگان ترانزیت در موقع ورود به گمرک مجبور به پرداخت انواع و اقسام رشوه از نهبان درب ورود تا ارزیاب و دیگران هستند. و این نه تنها در کشور خودمان بلکه در دیگر کشورها هم به نوعی با این فساد روبرو هستند. بعضی از این رانندگان به دلیل پرداخت اقساط سنگین ماشین های خود با دادن رشوه های ۲۰۰ هزار تومانی در پایانه ها و شرکت های خصوصی حمل و نقل، تلاش می کنند خارج از نوبت بار بگیرند تا اقساط ماشین های خود را به موقع پرداخت کنند. سالهاست که انجمن صنفی رانندگان برای مبارزه با صدور بارنامه های صوری جهت حمل بارهای قاچاق مبارزه ای را سازمان داده است. این شرکت های حمل و نقل برای فرار از مالیات مبلغ بارنامه را کم نوشته و با دادن آدرس های تقلبی برای حمل کالاهای قاچاق خارج از سیستم در پایانه ها، فساد در این مکان ها را دامن می زنند. انجمن صنفی برای مبارزه با این حرکات ضد کارگری و فساد طرح نظارت را در پایانه ها

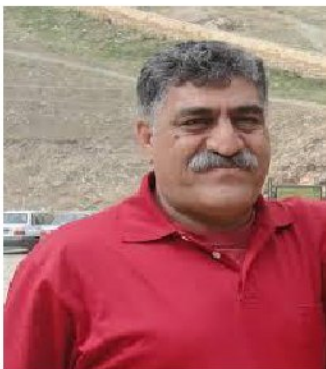
ی کشور به مورد اجرا گذاشته است. ولی نمی توانند در شرکت های خصوصی حمل و نقل این نظارت را اعمال کنند.

خطرات لاستیک های دست دوم و لنت های نامرغوب

یکی از رانندگان تریلی گفت که به دلیل گران بودن لاستیک های نو، استفاده از لاستیک های دست دوم در میان رانندگان کامیون بسیار رواج پیدا کرده است. وقتی به فروشگاه لوازم یدکی می روم ارزان ترین لنت را برای کامیونم سفارش می دهم چون پول لنت های با کیفیت را ندارم. امیدوارم که انجمن صنفی رانندگان ماشین های سنگین با ایجاد تعاونی و خرید لاستیک و لنت های مرغوب و استاندارد و توزیع آن بین راننده ها بصورت قسطی کمی از مشکلات رانندگان را حل کنند .

راننده دیگری می گوید: هر شب وقتی خسته در پارکینگ کنار جاده می ایستم و برای خوردن غذا و استراحت آماده می شوم ، به اخبار هم گوش می کنم. صحبت از پولهای بلوکه شد ایران و آمدن آن به خزانه دولت است. آیا از پولهای بلوکه شده ایران ، سهمی هم به رانندگان بیابانی خواهد رسید؟ آیا به ما وام خواهند داد تا تریلی هایمان را نو کنیم؟ آیا برای نوسازی اسفالت های جاده ها این پولها هزینه خواهد شد؟ آیا با این پولها کارخانه های لاستیک سازی ایران شروع به تولید لاستیک های با کیفیت خواهند کرد؟ آیا این پولها در کارخانه های لنت ترمز سازی سرمایه گذاری خواهد شد تا لنت ارزان و با کیفیت به دست ما برسد ؟ تا در بیابان دچار حادثه نشویم؟

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک



۱- با خبر شدیم علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در هفته گذشته با همسر خود در زندان کارون ملاقات داشته و داروهای قلب خود را نیز دریافت کرده است. او که در زندان سپاه و در بازداشت موقت به سر می‌برد و توسط اطلاعات سپاه دستگیر شده است. اتهام او تبلیغ علیه نظام است و بازجویان بارها به او گفته‌اند که: «**تو که بازنشسته‌ای چه کار به مسایل کارگران داری**».

۲- در ماه آینده ۵۰۰ کارگر سایپا که سابقه ۲۵ سال کار دارند، بازنشسته خواهند شد. کارخانه‌های خودرو سازی سایپا، ایران خودرو، مگاموتور، پارس خودرو، خاور، در ۲ سال اخیر از استخدام کارگر خوداری نموده و حتا به جای کارگران بازنشسته هم کارگری را جایگزین ننموده اند. در کارخانه سایپا تعداد کارگران واحدهای تولیدیش با کارمندان که بیشتر از نورچشمی‌ها هستند برابری می‌کند.

**روابط عمومی سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ۹۴/۷/۲۱**

طاعون حیوانی همچنان کشتار می کند!

طی سه هفته اخیر طاعون حیوانی بخش هایی از منابع طبیعی اراک، قزوین، طالقان، کرج را در بر گرفته و طی هفته اخیر در کرج ۱۰۰ راس بز و کل کشته شده اند. فاجعه آنچنان وسیع است که محیط بانان از گروههای کوهنوردی و زیست محیطی در خواست کمک کرده اند. در اراک ۲۰۰ راس بز و کل کوهی کشته شده اند که توسط محیط بانان و گروههای زیست محیطی و کوهنوردی سوزانده و یا دفن شده اند. در حال حاضر چندین گروه کوهنوردی در کوههای استان کرج به دنبال یافتن این لاشه ها و یا نشانه گذاری حیوانات هستند. این درحالی است که گسترش این بیماری باعث آلودگی محیط و بخصوص محیط انسانی خواهد شد و ضایعات جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت. مافیای تخریب محیط زیست این را نتوانسته درک کند که شیوع بیماری او و خانواده اش را هم آلوده خواهد کرد همان گونه که آلودگی هوا او و خانواده اش را بی نصیب نگذاشته است.

ما از گروهها کوهنوردی و زیست محیطی این استانها می خواهیم که برنامه های کوهنوردی خود را لغو و به یاری محیط بانان بشتابند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۹۴/۷/۱۴

با توجه به گزارش های گوناگون خبرنگاران پیام سندیکا از واحد های تولیدی در ۲۰ مهر دبیر انجمن قطعه سازان اعتراف کرد که طی ششماه اخیر ۱۱ هزار کارگر قطعه ساز بیکار شده و تا پایان سال این رقم به ۳۰۰ هزار کارگر خواهد رسید. ما طی گزارشاتی اعلام کرده بودیم که اکثر کارخانه های قطعه ساز و کارگاههای وابسته به آنها به دلیل نگرفتن طلب های خود از شرکت هایی چون ایران خودرو و سایپا و همچنین عم خرید قطعات سفارش داده شده به این کارخانه ها مجبور به اخراج کارگران خود و تعطیلی کارخانه های خود شده اند.

گزارش از کارخانه ماموت:

کارخانه های زنجیره ای ماموت سازنده کانتینرهای تریلی و کامیون واقع در ۱۵ کیلومتری اتوبان کرج - قزوین با داشتن ۳ شعبه واحد تولیدی همچنان بهترین و بی رقیب ترین سازنده کانتینر در ایران محسوب می شود. این کارخانه از سال گذشته با رکود پیش آمده در بازار دست به کاهش نیرو زد. در تازه ترین خبر از اخراج ۵۰ کارگر جوشکار و ورق کار در این کارخانه اطلاع یافتیم. کارگران می گویند بعد از عید نوروز سرویس حمل و نقل کارگران در جاهایی که کارگر کمتری برای سوار شدن به سرویس وجود داشته، سرویس حمل و نقل کارگران برداشته شده و اعتراض کارگران هم ثمری نداشته است.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۹۴/۷/۲۵

خبرنگار پیام سندیکا گزارش می دهد:

۱- با قطع بیمه قالیبافان از اول مهر امسال و با دریافت نکردن پول حق بیمه از کارگران قالی باف، این کارگران که اکثرن زنان و دختران بودند که از این بیمه استفاده می کردند در بی خبری و سرگردانی بسر می برند. روسای شعب بیمه تامین اجتماعی اظهار بی اطلاعی کرده و از پاسخگویی سرباز می زنند.

۲- با اخراج های پی در پی کارگران در ششماهه اول سال، ازدحام کارگران اخراجی برای دریافت بیمه بیکاری در شعب بیمه تامین اجتماعی بسیار زیاد شده است و به بهانه های مختلف تلاش می کنند از ارایه بیمه بیکاری خودداری کنند و کارگران را سر می دوانند.

همچنین شعب بیمه تامین اجتماعی برای پرداخت بیمه بیماری و حوادث به بلیمه شده ها هم بهانه گیری کرده و از انجام تعهدات خود شانه خالی می کنند.

سازمان تامین اجتماعی به سمت سخت گیری هرچه بیشتر در راستای عدم خدمت رسانی به کارگران گام برمی دارد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۹۴/۷/۲۶

کارگران ساختمانی بی پناه ترین کارگران ایران

خبر اول : در پروژه عمرانی در عظیمیه کرج یک کارگر ساده به دلیل فقر و دوری از خانواده و نگرفتن چندین ماه دستمزد ماهانه به قصد خودکشی خود را از بالای ساختمان به پایین پرت کرد و متأسفانه قطع نخاع گردید. این کارگر بیمه نبوده و کارفرما هم از پر کردن برگه حادثه خوداری نموده است. کارگر مصدوم به مساعدت دیگر کارگران و با جمع آوری پول به روستای خود رفت.

خبر دوم : در پروژه ساختمانی روبه روی ایستگاه مترو چیتگر ، راننده تاور (جرثقیل هوایی) پس از برخورد با ساختمان مجاور ایستگاه سقوط کرد و در دم کشته شد. این کارگر اهل سنقر بود.

خبر سوم: کارگران شرکت های ساختمان واقع در چیتگر بعد از ۴ ماه تازه حقوق ۲ ماهه خود را دریافت می کنند. ساعت کاری از ۷/۵ صبح تا ۵/۵ عصر اجباری است. تعطیلی جمعه و دیگر روزهای تعطیل وجود ندارد و همه روزها روزکاری هستند. در این پروژه ها عقب افتادن ۳ ماهه حقوق کارگران به یک امر عادی تبدیل شده است. از روز اول استخدام هم به

کارگران گفته می شود که همیشه باید ۳ ماه حقوقتان نزد شرکت باقی خواهد ماند.

خبر چهارم : شرکت ساختمانی هنزا در حصارک کرج مشغول ساختن پل حصارک است. این شرکت ۴ ماه حقوق کارگران خود را نپرداخته و به همین خاطر هفته قبل کارگران دست به اعتصاب زده و پس از یک روز اعتصاب تنها نفری ۴۰۰ هزار تومان گرفته و به سرکار بازگشتند .

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۹۴/۷/۲۷

وقتی آتش آن قدر شور می شود که آشپزهم صدایش در می آید.

اخبار ۳۰:۲۰ تلویزیون شبکه ۲ با نشان دادن فیش حقوقی معاون بیمه تامین اجتماعی دست به افشاگری از رقیب سیاسی خود کرد.

مبلغ دریافتی ماهانه : ۲۷ میلیون و ۸۵۶ هزار و ۶۵۲ تومان

نکته جالب توجه قسمت دریافت وام ایشان بود: ۴۸۰ میلیون تومان وام

و قسمت جالبتر مبلغ ماهانه قسط وام: ۵۷۰ هزار تومان

یعنی این کارمند دون پایه حقیر فقیر باید تقریباً ۹۰ سال دیگه وام رو پس بده !!! واقعا به این سیستم دولتی بایدگفت.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۹۴/۷/۲۷



خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : در حالی که واگن سازی اراک و مجموعه کارخانه های خودروسازی های کشور از رکود رنج می برند و در اقدامی ناباورانه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و با دستور آقای قالیباف شهردار تهران دست به خرید ۲۰۰ اتوبوس دو کابین برای خطوط بی. آر. تی. تهران از چین نموده است. متأسفانه سیاست نابخردانه دلالی به هر شکل آن چنان تارو پود سیستم دولتی را در برگرفته که فقط جیب دلالان اصل هر حرکت اقتصادی است. این خرید که در آینده پورسانت هایش افشا خواهد شد، بسیاری از عوامل شهرداری و اتاق بازرگانی ایران و چین را شامل خواهد شد.

خبر دوم : با توجه به خرید اتوبوس های دو کابین ، رانندگانی که این اتوبوس ها را می رانند از هیچگونه سختی و کار و افزایشی در دستمزد برخوردار نخواهند بود و مانند دیگر رانندگان دستمزد خواهند گرفت. آنچه مورد اعتراض کوشندگان سندیکایی است نه تنها فشار کاری رانندگانی این اتوبوس هاست بلکه این اتوبوس ها بیمه کامل ندارند و در صورت تصادف مشکلات بسیاری دامن گیر این رانندگان خواهد شد.

خبر سوم : مالیات بر حقوق رانندگان شرکت واحد بسیار از کارگران و رانندگان این شرکت را ناراضی کرده است. رانندگان شرکت واحد بیش از ۱۵۰ هزار تومان در فیش های حقوقی اشان مالیات پرداخت می کنند. در سال

دهه ۴۰ و با دعوت سندیکای کارگران شرکت واحد به رهبری ساروخانیان دبیر سندیکا از نخست وزیر وقت از آقای امینی در تعمیرگاه نارمک از او خواستند که مالیات بر درآمد رانندگان و کارگران شرکت واحد از سود شرکت واحد پرداخت شود. این قانون تا چند سالی بعد از انقلاب نیز رعایت می شد که با دستگیری رهبران سندیکایی در دهه شصت، مدیریت وقت شرکت واحد این جسارت را در نبود سندیکای کارگران شرکت واحد به خود داد و برداشت مالیات از حقوق کارگران و رانندگان شرکت واحد را اجرا کرد.

۹۴/۷/۳۰

**سازمان دهی مبارزات کارگران، بالا بردن سطح همبستگی
مبارزاتی، و مبارزه‌ی متحد با برنامه‌های اقتصادی
ضدکارگری، تنها راهی است که در مسیر آن کارگران
می‌توانند به منافع طبقاتی‌شان دست یابند. باید در راستای
برپایی سندیکاهای مستقل کوشید، و از این راه موقعیت
جنبش کارگری را، در مقام نیروی مهم و مؤثر تثبیت کرد**

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



در پارس جنوبی

Kmkoomak.wordpress.com

فرقی نمی کند چه در عسلویه باشید، چه در چاه بهار، یا بندر انزلی یا هر جای دیگر، دیگر ۹۰ درصد ایران شده مناطق آزاد تجاری - صنعتی و از شمول قانون کار خارج شده است. و این یعنی کارگران حق بیمه شدن را از دست داده اند. فقط باید کارکنند؛ و حق مطالبه حقوقشان را هم ندارند. ۴ ماه ۶ ماه و بیشتر حقوق طلب دارند ولی حق مطالبه ی آن را ندارند. در این شرایط که پیمانکاران به تعهد خود عمل نمی کنند و ماه ها از پرداخت حقوق کارگران خود داری می کنند تا صد ها میلیون به سود بانکی شان افزوده گردد، اگر کارگر دست از کار بکشد، به جرم اعتصاب یا بزعم برخی " اقدام علیه امنیت کشور" به جای بررسی این وضعیت در شورای حل اختلاف اداره ی کار؛ به محاکم شرع برده می شود و در آنجا هرگز از پیمانکار نمی پرسند چرا به تعهدش (پرداخت حقوق کارگر) عمل نمی کند بلکه کارگر را که از گرسنگی به عصبان رسیده و حقوقش پرداخت نشده به شلاق و زندان محکوم می کنند. آیا در ساختار این دولتهای پس از جنگ، سرمایه دارها هم، به معصومین و مقدسین ارتقاء یافته اند؟ و زمانی که این نو مقدسین می گویند: این ها (کارگران) مشتی آشوب گردند، حرفشان حجت است!!

کارگران قرارداد موقت صنایع نفت و گاز ایران و همه ی کارگران قرارداد موقت در سراسر این دیار استثمار زده ی ما، در شرایطی بدتر از دوران برده داری زندگی می کنند. اگر یک بررسی علمی در زندگی خانوادگی این کارگران صورت بگیرد به آماری دست خواهند یافت که ژرفای فاجعه انسانی

زندگی این صنعت گران سازنده کارخانه های تولیدی کشور را به دست خواهد داد. بیشترین آمار طلاق در میان خانواده های نیروی کار پروژه ای از مهندس، تا کارگران است، بیشترین معنادان در میان این کارگران و مهندسين است، بیشترین تلفات جانی ناشی از عدم توجه مسولان به ایمنی کار در میان کارگران است. بیشترین بیماری های روحی و تیک های عصبی در میان این کارگران است که می باید ۲۴ روز در اردوگاه های کار باشند، و اگر کارفرما اجازه دهد، ۶ روز به مرخصی بروند. افسردگی، نا امیدي و پرخاشگری بیماری عادی آنهاست. وجود مقررات غیر قانونی و ضد قانون اساسی کشور، که طبق مصوبات دولت رفسنجانی در سال ۷۳ کاربردی شده است از حاکمیت در ایران چهره ای به تاریخ بشریت عرضه می کند که تنها یک استثنا در دد منسازانه است. در شرکت های بهره برداری تاسیسات ساخته شده، ساعات اضافه کاری مداوم و پشت سرهم، به ۲۴ ساعت می رسد. چون در شرایط خاص مرحله بهره برداری توقف کار امکان پذیر نیست و پیمانکار بجای ایجاد دو شیفت کار با دو گروه کارگران فنی، همان یک گروه کار را به کار می گیرد. تا سود بیشتری به قیمت جان و مرگ تدریجی کارگران صاحب گردند. اضافه کاری های غیر انسانی در شرایطی که، کارگران حتا فرصت دست رو شستن خود را ندارند و با چشمان قی زده و سر و وضعی آشفته باید به کار ادامه دهند. جوشکاری کنند، و یا داریست ها را ببندند و یا لوله های سنگین و سبک را، جفت و تنظیم نمایند، صورت می گیرد، آنها در گرما و آلودگی جهنمی پارس جنوبی. کارگران باوجود بیکاری سراسری در ایران، از وحشت بیکاری یا بلک لیست؛ از نوع مک کارتیسیم - امریکایی، که ما شاهد کپی برابر با اصل ایرانی آن، شده ایم؛ شهادت هیچ اعتراض یا شکایتی را، ندارند. زیرا همان مقررات مصوبه دولت آقای رفسنجانی در سال ۷۳ به پیمانکاران اجازه داده است حتا در صورت حکم دادگاه به نفع کارگران، پیمانکار باز حق دارد، آن حکم را ندیده بگیرد و کارگر را اخراج نماید. آیا این مصوبات متضاد با قانون اساسی کشور؛ همان مقررات و قوانین حکومت

مستضعفانی است، که وعده اش را به مردم ایران دادند و ۹۰ درصد آرا را بدست آوردند؟! ولی کاردر خارج از محوطه ی بسته و غیر قابل دسترسی نظارت حراست، که افراد سربازی نرفته را اجازه کار نمی دهد، فرا تر از همه ی واژه های واپس گرایانه است. در بیرون سایت پیمانکاران یا بزعم وزیر کار "کار آفرینان" و بزعم کارگران انگلهای اجتماعی، نوجوانان و کارگران افغانی را بدون سه وعده غذا بدون خوابگاه بدون ایمنی بدون هیچ مزایای دیگری، استثماری وحشیانه می کنند. کسانی را که در غربت و مهاجرتی اجباری، که کشتار افراط گری های خرافی- دینی، همه چیزشان را از دست شان گرفته است و از ناچاری به اینجا آمده اند. آنهایی که اگرچندرغاز حقوقشان را هم ندهند، مجبورند فقط اشک بریزند؛ زیرا به عنوان مهاجر غیر قانونی هیچ گونه حقی ندارند. شرایط ایده آل برای تشویق دلال های وطنی و خارجی برای سرمایه گذاری در ایران بدون سرمایه را تدارک می بینند!!

بیا بیا بیا بیا که سفره ای چرب آماده ی پذیرایی از شما تدارک دیده شده است، تا دنیای سرمایه داری نیروی کار ایران را هرچه گسترده تر استثمار کند و سهمی حتا حقیر برای مردم ایران و نسل آینده به جا نگذارد.

توسعه اقتصادی - صنعتی بدون توجه به بهبود شرایط کار و قدرت خرید نیروی کار و قدرت خرید کل جامعه، تنها یک توهم دلال گونه است.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

۲ آبان ماه ۹۴

ناصر آقاجری



بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است!

بیسواد سیاسی کور و کر است، درک زندگی ندارد و نمی‌داند که هزینه‌های زندگی از قبیل قیمت نان، آزادی، مسکن، دارو و درمان همگی وابسته به تصمیمات سیاسی هستند. او حتی به جهالت سیاسی خود افتخار کرده، سینه جلو می‌اندازد و می‌گوید که: "از سیاست بیزار است، من سیاسی نیستم."

چنین آدم عوام و بی‌مسئولیتی نمی‌فهمد که بی‌توجهی به سیاست است که زنان فاحشه و کودکان خیابانی می‌سازد، قتل و غارت را زیاد می‌کند و از همه بدتر بر فساد صاحبان قدرت می‌افزاید و استبداد را دامنگیر می‌کند و... (پرتولت پرشت "اندیشمندآلمانی.")

این نوع از بیسوادی نه سن می‌شناسد نه جنس نه تحصیلات، میتوان تحصیل کرده گانی بیشماری یافت که دچار شکل حاد بیسوادی سیاسی هستند و فقدان داده‌های سیاسی در ذهنشان تمام قوای آنان را متمرکز بر تزیید منافع فردی کرده و بیگانه با منفعت جمعی نموده.

شعور سیاسی حس مالکیت اجتماعی می‌آفریند و نبودش فرد را محصور در دایره تنگ منافع شخصی و بانندی می‌کند.

سواد و شعور سیاسی مدیریت کلان را برای دولتمردان و حاکمان پوپولیست سخت می‌نماید از اینرو در حکومت‌های مستبد از رشد سواد سیاسی در جامعه

جلوگیری می‌کنند و دشمن آزادی بیان و شفافیت سیاسی هستند ولی بی‌شعوری سیاسی کار دولتمردان را سهل و بالطبع زندگی شهروندان را مشکل و طاقت فرسامی نماید.

شعور سیاسی در دنیای امروز نه اطلاعاتی فانتزی بلکه یک نیاز اساسی است برای سیاست ورزی، دررفاه زندگی کردن و احساس شهروند حق مدار کردن.

قدم گذاشتن به میدان سیاست عاری از دغل‌بازی و فریب و کاسبکاری معمولاً کارانسان‌های از خودگذشته و بزرگ است که تنها به منافع و بهروزی جمع و به مردم و وطن خود می‌اندیشند.

یک ملت غیرسیاسی و ناآگاه را به آسانی می‌توان فریب داده، به هر راهی که سود طبقات ستمگر و مستبد در آن مثمر باشد، کشانید.

فرد غیرسیاسی قادر نیست که رویدادهای جامعه را تحلیل نموده، عوامل پنهان در پس تبلیغات جاری را دریابد، با یک سانديس و یک کیلوسیب زمینی رای می‌دهد و...

«کسانی که خودشان را از سیاست به دور نگه می‌دارند، توسط احمق‌ها اداره می‌شوند» (افلاطون)

فرشید هکی

مدرس دانشگاه و مدیر موسسه پیش‌تازان
عدالت و حقوق ایرانیان

شکاف طبقاتی در جامعه

از زمانی که دولت قبلی اجرای هدفمندی یارانه‌ها را مطابق دستور صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی-آغاز کرد، تا امروز که دولت برنامه آزادسازی قیمت‌ها را آهسته درحال پیاده کردن آن است، مانند گران شدن ۲۰ درصدی آب، میلیون‌ها تن از مردم کشور به‌ویژه توده‌های محروم جامعه، بیش از پیش به دره فقر سقوط کرده‌اند. سیستم سرمایه داری آب و نان را هم از زحمتکشان دریغ می‌کند.

بی‌خاصیتی تشکل‌های دولتی

رهبران تشکل‌های زرد همچون خانه کارگر که بی‌وقفه به فریب کارگران، تراشیدن دشمنان واهی، و بیرون کشیدن کارفرمایان از زیر ضربه، مشغولند. به عنوان نمونه، محبوب و صادقی- دبیرکل و معاون ضدکارگری خانه کارگر- به خبرگزاری‌های ایلنا و ایسنا، به ترتیب در ۹ و ۱۳ شهریور ماه ۹۴، گفتند: "وجود اتباع غیر ایرانی در بازار کار باعث کاهش توانایی چانه‌زنی کارگران ساختمانی شده است". یعنی بی‌عرضه‌گی ما نیست که دستمزدها بالا نمی‌رود، بلکه افغانی‌های بی‌پناه مقصرند

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

«محدود کردن سندیکاهای کارگری و زندانی نمودن کوشندگان کارگری، باز گذاشتن دست‌های قدرتمندان برای اجرای نابرابری و فقر و نابودی خانواده‌های کارگران است!»

بسته اقتصادی دولت



بسته خروج از رکود مسکن چند هفته ای بیشتر برای اقتصاد در حال سقوط ما نیست. در هر جای دنیا هر کشوری وارد مرحله رکود اقتصادی میشه ، وضع کشور به حالت اضطراری درمیاد و دولت بطور کلی تسلیم فرامین سندیکای کارگری همون کشور میشه و به کمک سازمان مردم نهاد کارگری (سندیکای کارگری) از رکود خارج بشن. اما دولت موضوع رو کاملا شوخی گرفته انگار نمیدونه اگر رکود کمی بیشتر ادامه پیدا کنه مانند هواپیمایی که موتورش خراب شده و داره سقوط میکنه اقتصاد ایران به زمین میخوره و نابود میشه. نابودی یعنی زمان جنگ با صدام باشه و ایران حتا یک سرباز هم نداشته باشه خودتون حساب کنید چی میشه.

اقتصاد نابود بشه باید به دشمنانمون مثل امریکا و انگلیس التماس کنیم تا بیان به ما پول قرض بدن تا زن و بچه هامون از گرسنگی نمیرن، درست زمانی که کشور ما غرق ثروتهای خدادای هست. تمام دنیا سندیکای کارگری دارن که رسمی قانونی و کاملا محترمانه فعالیت میکنن، اما تو کشور ما درست برعکسه.

الان یونان دچار رکود اقتصادی شده روزی ده بار تظاهرات سندیکایی میشه تا به عنوان مادر بتونن دولت کودک رو از بیماری نجات بدن. واقعا حالا دولت بدون سندیکای کارگری چطور میخواد از رکود خارج بشه؟

سندیکای کارگری انقلاب رو انجام داد، بعد انقلاب دولت مبارزه شدیدی کرد و صدها ساختمان سندیکای کارگری رو تعطیل و پلمپ کرد (تا مبادا دوباره انقلاب کنن) آقای دولت هر جای دنیا کشوری وارد مرحله رکود میشه فقط بوسیله سندیکای کارگری خودش نجات پیدا میکنه .

برای نجات کشور هم که شده اجازه فعالیت سندیکاهای کارگری را بدهید تا دیرتر از این نشده.

افشین صفاری کارگر فلزکار

«مناسبات اقتصادی که منجر به فقیر شدن انسانها می گردد، باعث پیدایش گروههای افراطی می شود»

«محدود کردن سندیکاهای کارگری و زندانی نمودن کوشندگان کارگری ، باز گذاشتن دست های قدرتمندان برای اجرای نابرابری و فقر و نابودی خانواده های کارگران است!»



از طرف پیشکسوت سندیکایی آقای رضا کنگرانی فراهانی عضو هیات مدیره سابق سندیکای کارگران خیاط تهران در دهه شصت ، نامه ای به تحریریه پیام سندیکا رسیده است که به نظر خوانندگان می‌رسانیم:

با سلام از: رضا کنگرانی فراهانی

به: هیات تحریریه محترم پیام سندیکا .

دوستان عزیز ، همانطور که در بخش ها و شمارگان نشریه پیام سندیکا توضیح داده اید این نشریه در خدمت فعالیت سندیکایی تمامی اتحادگرایان و بطور جدی تر، فعلا انعکاس دهنده فعالیتها و دیدگاههای سندیکاهای موجود کارگران شرکت واحد – فلزکارمکانیک – نیشکر هفت تپه – هیات بازگشایی سندیکای نقاش است. لذا لازم است هیات تحریریه نشریه ترکیبی از رهبران سندیکاهای فعلی یا نمایندگان معرفی شده توسط آنها باشد. تقاضای من این است که آقایان ابراهیم مددی – رضا شهابی – سعید ترابیان – داود رضوی – علی پیرهادی – و سایر افراد هیات مدیره و فعالین سندیکای واحد که در طول ۱۲ سال بالاترین درجه فداکاری و بهترین نمایش قدرت رهبری را در شرایط سخت و پر فشار داشته اند در هیات تحریریه نماینده داشته باشند و در تعیین خط مشی نشریه نقش داشته باشند. ضمنا سایر سندیکاهای و تشکل های فعال مانند سندیکای نقاش که بسیار در مسیر اتحاد زحمت کشیده اند و رنج بردند یا سندیکای نیشکر هفت تپه که در مسیر اتحاد کارگران مصایب

زیادی را تحمل کردند و طبیعتاً تجربه گرانمایی دارند ، می توانند به قدرت و توانایی نشریه و تاثیرگذاری مثبت آن در بین طبقه کارگر کمک شایانی داشته باشند. لذا لازم است حضور این گرانمایگان در نشریه به خوبی و روشنی محسوس باشد.

موفق باشید فراهانی

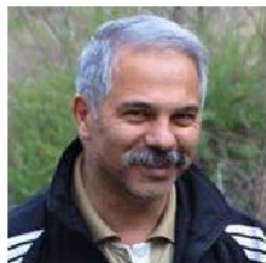
ما همیشه کوشیده ایم که در هیات تحریریه پیام سندیکا بخصوص از طرف سندیکاهای کارگری نماینده ای حضور داشته باشد و سالها است این موضوع را پیگیری کرده ایم. باز هم ضمن استقبال از این پیشنهاد امیدواریم که همکاری بین سندیکاهای کارگری از این نیز فراتر رود.

به امید گسترش روابط هرچه بیشتر بین سندیکاهای کارگری.

تحریریه پیام سندیکا

«برای دریافت اخبار روز کارگری، ما را در سایت دو زبانه رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس sfelezkar.com و یا در وبلاگ به آدرس felezkar.com و یا در فیسبوک سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و یا در سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به آدرس vahedsyndika.com و یا در سایت کانون متحد کارگری Kmkoomak.wordpress.com تعقیب کنید.»

کوشندگان کارگری و زندگی در روزهای رکود



روزهایی که کشور عزیزمان ایران می‌گذراند ، روزهای زیاد خوبی برای کشور و کوشندگان کارگری نیست. کوشندگان کارگری و اجتماعی و سیاسی بیش از دیگر شهروندان ایرانی روزگار سختی را می‌گذرانند و باید تحمل سختی‌ها را داشته باشند چون آرمانشان در خطر است. کوشندگان کارگری که با اخلاق ترین و با شخصیت ترین کارگران و در کار خود ماهرترین نیز هستند در روزهای رکود اولین نفراتی هستند که اخراج می‌شوند. در روزهای رکود این کوشندگان کارگری هستند که برای اینکه به قول کارفرما در دسر برای کارخانه ایجاد نکنند ، باید اخراج شوند. نپرداختن چند ماهه دستمزد کارگران ، رد نکردن لیست بیمه کارگران و حذف سرویس و رستوران و شیر و کفش و لباس کار از هزینه های کارخانه از جمله مواردی است که کوشندگان کارگری به حذف این موارد اعتراض خواهند کرد و در رد شدن یا نشدن لیست بیمه کارگران نظارت خواهند داشت.

کوشندگان کارگری که در سایپا و کارگاههای قطعه سازی کار می‌کردند اولین مشمولین اخراج ها بودند. از میان ۲۴۰ کارگر قطعه ساز بیش از ۱۵ تن از کارگران سندیکایی نیز مشمول اخراج شدند. در میان ۵۰۰ کارگر ۲۵ سال سابقه سایپا که برای بازنشسته شدن پیش از موعد به کارگزینی معرفی شدند ، کوشندگان سندیکایی در ردیف نخست با حتماً ۲۳ و ۲۴ سال سابقه حضور دارند و کارفرما برای راحت شدن از دست اینان قبول کرده تا ۷ سال سابقه بیمه برایشان رد کند که زودتر بازنشسته شوند .

کار به اینجا ختم نمی شود. یک کوشندگان کارگری باید برای اهدافش وقت بگذارد و برای کارگران از حقوق انسانی و کارگرایش بگوید پس باید از وقت استراحت خود زده به دیدار کارگرانی در آن طرف شهر برود. اما مصیبت کوشنده کارگری بودن از آنجایی آغاز می شود که تو بیکار باشی یا حقوقت را هم ماهها آقای کارفرما پشت گوش انداخته باشد و تو خواهی همچنان غم مردم را بخوری و دست خالی روانه خانه شوی.

دیروز با رفیقی صحبت می کردم که چرا فعالیتش کم شده است. او گفت که نمی توانم به صاحبخانه بگویم که کرایه ام اگر عقب افتاده به خاطر این است که فعالیت می کنم تا تو و دیگر ایرانیان در روزگار بهتری زندگی کنید. او ۶ ماه کار کرده و فقط ۲ ماه حقوق گرفته و باید خانواده ۴ نفره اش را که یک دختر دانشگاه آزادی را شامل می شود، را اداره کند. او روزانه ۱۲ ساعت کار می کند جمعه و دیگر روزهای تعطیل را هم باید کار کند. او به خودش لعنت می فرستاد که چرا باید این گونه روزگار بگذراند. می گفت مازیار از این کار کردن و زندگی کردن راضی نیستم. می دانم جایم در سندیکا خالی است ولی تو بگو چه کنم؟ چگونه از پس این هزینه ها برآیم؟ زن قالی بافش هم چند ماهی است که دیگر بیمه تامین اجتماعی مبلغ حق بیمه اش را قبول نکرده و هراسی دیگر به این زندگی مشقت بار انداخته است. ۴ ماه است از دیگران قرض کرده و گذارنده و امروز از شرم، روی دیدار دوستانش را ندارد. او به آنان بدهکار است و معلوم نیست چه روزی می تواند بدهی اش را بپردازد.

در این نبرد کار و پیکار آنچه دلگرم کننده است، همبستگی کارگری، رفاقت، همدردی و همسنگری است. کوشندگان و سندیکاهای کارگری را در این روزهای سخت حمایت کنیم.

مازیارگیلانی نژاد

گسترش مناطق آزاد و ویژه، آزادی سرمایه داران از هرگونه قید و بند است

هیات دولت در جلسه خود به تاریخ ۷ مرداد لایحه ایجاد یک منطقه آزاد تجاری - صنعتی و یازده منطقه ویژه اقتصادی را مورد بررسی قرار داد، لایحه‌ای که باید پس از تصویب در هیات دولت به تصویب مجلس برسد. براساس این لایحه قرار است در استان گلستان منطقه آزاد تجاری صنعتی "اینچه برون" و در شهرستان‌های فسا در استان فارس، ابرکوه و میبد در استان یزد، زنجان در استان زنجان، گجساران در استان کهگیلویه و بویراحمد، سرو - ارومیه در استان آذربایجان غربی، خواف و قوچان در استان خراسان رضوی، خرم‌آباد در استان لرستان، تاکستان در استان قزوین و شاهین شهر در استان اصفهان منطقه ویژه اقتصادی ایجاد شود.

ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه که از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی آغاز گشت، در سال‌های ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد با سرعت بیشتری ادامه یافت و اکنون کابینه روحانی با شتابی باورنکردنی در حال گسترش این مناطق است. به نظر می‌آید که دولت روحانی می‌خواهد تمام ایران را به منطقه آزاد تبدیل کند و البته که از "منطقه آزاد" منظور نه آزادی در بیان و اندیشه، که آزاد شدن از هر گونه قید و بندی برای سرمایه‌داران است، آزادی سرمایه‌داران در استثمار بی‌حد و حصر کارگران، همین و بس.

مناطق آزاد اگرچه تاریخی طولانی دارند اما در شکل کنونی از محصولات دوران پس از جنگ جهانی دوم هستند که با هدف تسهیل کار سرمایه‌داران با معافیت‌های مالیاتی و قوانین ساده و سهل از جمله در رابطه با قوانین کار شکل گرفتند. از دهه‌ی ۶۰ (میلادی) این مناطق بویژه در آمریکای مرکزی و جنوبی و آسیای جنوب شرقی با هدف "جذب سرمایه برای تولید و صادرات" گسترش یافتند. اما در ایران و از دهه‌ی ۷۰ (شمسی) که جزایر کیش، قشم و

بندر چابهار به مناطق آزاد تبدیل شدند، این مناطق حتا به همین اهداف نیز دست نیافته و تنها به محلی برای ورود کالاهای خارجی تبدیل شدند.

هدف اعلام شده مناطق ویژه اقتصادی نیز که قرار بود در مناطق مرزی و حتا در داخل کشور تشکیل شوند، تولید کالاهای صنعتی با هدف تامین نیاز داخل و صادرات اعلام شده است. در آغاز کار این مناطق اغلب در کنار مرزها بوجود آمدند مانند منطقه ویژه اقتصادی انزلی و یا سرخس اما کم کم در مناطق داخل کشور گسترش یافتند، به گونه ای که هم اکنون در ۲۰ استان کشور مناطق آزاد و ویژه اقتصادی وجود دارند و روند توسعه این مناطق همچنان ادامه دارد.

اما نتایج واقعی گسترش این مناطق چیست و هدف و شتابزدگی آن برای گسترش این گونه مناطق چه می‌باشد؟

واقعیت این است که به رغم تمامی تبلیغات عوامفریبانه‌ی اقتصاددانان دولتی در مورد جذب سرمایه، پیشرفت تکنولوژیک و توسعه‌ی اقتصادی، مهم‌ترین نتایج گسترش این مناطق تامین سود حداکثری برای سرمایه و استثمار بی‌حقوقی بیش از پیش کارگران است، موضوعی که در تمام مناطق آزاد جهان مشترک بوده و به راحتی قابل مشاهده است و در جهان کنونی کشور هند پیشتاز ایجاد مناطق آزاد جدید است. در جایی که کارگران به خاطر دیر رسیدن بر سر کار باید یک روز مجانی کار کنند. در جایی که کارگران حتا گاه باید هفت روز هفته را کار کنند آن‌هم روزی ۱۲ ساعت. مناطقی که بیشترین سود را برای سرمایه‌داران تامین می‌کند و اگر کارگران دست به اعتصاب بزنند با اخراج حداقل رهبران اعتصاب روبرو هستند چرا که تمامی قوانین این مناطق به نفع سرمایه‌داران و ایجاد راحتی خیال برای آن‌ها وضع شده است.

قوانین مناطق آزاد در ایران نیز جدا از دیگر مناطق آزاد دنیا نیستند و نتایج دیگری نیز به همراه نخواهند آورد. منطقه آزاد عسلویه یکی از این مناطق است. جایی که چندی پیش پیمانکاران فازهای ۱۵ و ۱۶ شرایط جدیدی را در قراردادهای کاری وضع کردند که حتا سیاه تر از دوران برده داری است. براساس قراردادهای جدید کارفرما حق دارد تا کارگران را در صورت اعتصاب بدون دادن حق و حقوق از کار اخراج نماید. حتا در صورت تسویه حساب کارگر با کارفرما دستمزد او سه ماه بعد پرداخت خواهد شد!! اگرچه از قانون کار چیز چندانی باقی نمانده، اما همین قانون ناقص نیز در مناطق آزاد و ویژه قابل اجرا نبوده و این مناطق قوانین خاص خود را دارند.

اما چرا دولت روحانی چنین شتابزده و با عجله در فکر گسترش این مناطق است آن هم در حالی که بسیاری از کارخانجات به صورت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند؟ واقعیت این است که دولت روحانی که به دنبال اجرای سیاست‌های صندوق بین المللی پول در عرصه‌ی اقتصاد است و به تنها چیزی که فکر می‌کند تامین منافع و خواست سرمایه‌داران است. دولت روحانی در این آرزو و خیال سیر می‌کند که با گسترش مناطق ویژه و آزاد و هر چه سهل‌تر کردن قوانین آن از جمله در رابطه با امنیت سرمایه و قوانین کار، می‌تواند پای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی (از جمله سرمایه‌داران ایرانی مقیم خارج) را به این مناطق بکشاند و در شرایط کنونی اقتصادی جهان سرمایه‌داری این را تنها راه برای جذب و تشویق سرمایه می‌داند، اما باید دید دولت جمهوری اسلامی در برابر دیگر رقبای خود تا چه حد موفق خواهد بود. تحریم‌های اقتصادی، ایران را کلا از این بازار عقب انداخت اما با توافق هسته‌ای به نظر می‌آید که دولت روحانی تلاش خود را مضاعف کرده است. سفر فوری مقامات سیاسی و اقتصادی آلمان و فرانسه و نیز نماینده اتحادیه اروپا بعد از توافق هسته‌ای و آن هم قبل از نهایی شدن آن، از همین دسته تلاش‌هاست. اما باید دید سرمایه داری جهانی و سرمایه داری داخل کشور که اینطور هماهنگ با هم برای غارت ثروت و دسترنج کارگران

متحد عمل می کنند آیا سندیکاهای کارگری هم می توانند متحد در برابر خواسته های ضدکارگری متحد عمل کنند؟

کارگر فلزکار، فدایی

« واقعیت این است که دولت به دنبال اجرای سیاست های صندوق بین المللی پول در عرصه ی اقتصاد است و به تنها چیزی که فکر می کند تامین منافع و خواست سرمایه داران است.»

سندیکا های کارگری می گویند:

آخرین آمارها و برآوردهای رسمی منتشرشده، از افزایش نگران کننده میزان بیسوادی حکایت دارد. رسانه های همگانی، چندی پیش، با استناد به گزارش های مرکز آمار جمهوری اسلامی اعلام داشتند که، بیش از ۱۰ میلیون بی سواد مطلق در کشور وجود دارد.

آیا نباید پرسید نهضت سوادآموزی در ۳۷ سال پس از انقلاب با این بودجه چه کرده است که از هر هفت ایرانی یک نفر بیسواد است؟ چه زمانی باید قانون رایگان شدن آموزش و پرورش اجرایی شود؟



مشکلات کارگران نقاش

هیچ مقام مسوولی یادی از ما کارگران نقاش ساختمان نمی کند اما جناب نیروی انتظامی برای این مسئله تاب نیاورده دست به کار میشود و حضرات انجمن صنفی هم که خود فروخته هستند در خدمت جناب نیروی انتظامی به خدمت کارگران نقاش ساختمان می رسند این خدمت گزاری را هم برای دست گرمی وهم برای تمرین مناسب می بینند. اما یه کم دور تر میریم از اول شروع میکنیم بنده دقیقا یادم هست که کارگران نقاش پاتوقشان در تهران پارس فلکه چهارم خیابان وفادار شرقی ایستگاه مسجد بود تقریبا ۲۰ سال پیش روزی شهردار آمد گفت برای شما جای سر پوشیده درست خواهیم کرد. اما این وعده دروغی بیش نبود یکی دوسال بعد آقایان دست بکار شدند هر چند زحمت زیادی برای نیروی انتظامی داشت پس از درگیری های مختلف این وظیفه را انجام دادند و کارگران را به ایستگاه مدرسه راندن اما چند سال بعد دوباره دیدند که کسی یادی از این کارگران نمی کند دوباره نیروی انتظامی با خود اندیشید که من یادی از کارگران میکنم و این دفعه برای گرم کردن باطوم هاشون آمدند و برای ما حسابی خدمت کردند و از ایستگاه مدرسه به دوراهی رهبر راندند. جنب دانشگاه خواجه نصیر یک پارک کوچک بود که آنجا جمع میشدیم و چند روز پیش آقایان دوباره یادی از ما کرده بودند که اینجا جای شما نیست و جناب انجمن صنفی حاضر در جلسه گفتند یا اینجا جمع نشید یا اون زیر پل یه آغل مانندی برای خدمت به شما عزیزان درست کردیم به زور باطوم می فرستیم آنجا. اگر این حضرات خود فروخته و جناب انتظامی نباشه کسی به فکر ما کارگران نیست من نمی دونم آیا ما در این مملکت جای برای سر پا ایستادن داریم یا نداریم. ما باید به فکر این بحران

بیکاری که پس از رکود در بازار مسکن به وجود آمده باشیم و یا هر روز در
گیر با ماموران باشیم آیا حل این بحران به عهده کیست؟

کارگر سندیکای نقاش علی آقا

آزادی

پدربزرگم مردی

آزادی خواه بود

پیش از آنکه تیربارانش کنند

تمام شعرهایش را

پای درخت انار باغچه چال کرد

من هیچ وقت شعرهایش را نخواندم

اما از انارهای باغچه می شود

فهمید

"آزادی"

باید سرخ و شیرین باشد

شاعر فلسطینی

علیپور با «کفش‌های پاره» هم قهرمان جام جهانی سنگنوردی شد



جام جهانی سنگنوردی در چین برگزار شد و رضا علیپور از ایران در رشته سرعت به عنوان قهرمانی دست یافت.

این ماده، لیپور هورزا از جمهوری چک نایب قهرمان شد و مدال برنز به نماینده فرانسه رسید. در این ماده ۲۱ سنگنورد حضور داشتند که چین با پنج نماینده و روسیه با چهار شرکت کننده از کسب مدال بازماندند. علیپور ۲۱ ساله موفقیت‌های متعددی در سال‌های گذشته کسب کرده. او دارنده مدال برنز سال ۲۰۱۴ جهان در اسپانیا است. این سنگنورد قزوینی پیش از آن نیز مدال طلا و نقره جام جهانی ۲۰۱۳ را در کارنامه داشت. فدراسیون جهانی، تصویر صعود او را همراه با عکسی از جهش یوزپلنگ ایرانی منتشر کرده بود. در سنگنوردی سرعت، نوع انجام مسابقه به «دویدن روی دیوار صاف» شباهت دارد. امسال صدا و سیمای گزارشی از علیپور پخش کرد که با کفش‌های پاره، در سالنی فاقد امکانات و به تنهایی مشغول تمرین است. او در توضیح این مسئله گفت که وقتی به صورت حرفه‌ای تمرین می‌کند، باید هر دو ماه، کفش خود را عوض کند اما پول خرید کفش تازه را ندارد. پس ناگزیر است خطر مصدومیت را به جان بخرد و با همین کفش‌های مستهلک، تمریناتش را پیگیری کند. علیپور با اشاره به اینکه رسانه‌های فرانسوی به تمجید از عملکرد او پرداخته‌اند اما مسئولین ورزش در ایران توجهی به او ندارند، یادآور شده بود حریفانش فقط به موفقیت فکر می‌کنند اما او مجبور است همیشه به مشکلاتش فکر کند و اگر شرایط اجازه داد، موفقیت را هم مدنظر قرار دهد.

«درسیست که همه چیز معیوب است انتظار اینکه به علیپورها توجه شود، ساده‌انگارانه است. تحریریه پیام فلزکار»

عبداله وطنخواه کارگر فلزکار: ایمنی در محیط کار از مطالبات اصلی کارگران است



Photo: Kianooosh Mobeihan

Iranian Labour News Agency

اصلی‌ترین علت گریز سرمایه داران از ایمن کردن محیط کار، "پرهزینه بودن" ایمن‌سازی فضای کار در جهت رعایت ایمنی و سلامت کارگر است. این کارگر فلزکار در رابطه با اصول و قواعد ایمنی شغلی در گفتگو با اینلنا گفت: در هنگامه بحث در مورد ایمنی یا به قول جزوات «حفاظت و ایمنی و صیانت از نیروی کار» تنها باید به عواقب مساله و امتداد مرگ کارگران بر اثر سوانح کار اندیشید.

وطنخواه با بیان اینکه سود محوری، تلاش دائم برای افزایش سود به هر قیمت را در پی دارد، تصریح کرد: دیدگاه منفعت‌طلبانه، پس از سرکوب دستمزد، به دنبال هزینه نکردن ذره‌ای از سود برای تامین ایمنی نیروی کار است.

وی تاکید کرد: هزینه داشتن ایمن کردن محیط کار برای کارفرماها، مهمترین علت سرباز زدن از رعایت ایمنی معادن و کارگاه‌ها و کارخانجات است و الباقی بهانه‌ای بیش نیست که کارگران خودشان به خاطر تنبلی از ابزار ایمنی استفاده نمی‌کنند.

نماینده کارگران واکيوم پارس افزود: اگر تنها آمار سالانه مرگ کارگران در سوانح کار را نگاهی بیاندازیم، با یک بررسی ساده، نگاه ابزاری کارفرمایان به نیروی کار عمیقا مشخص می‌شود. علیرغم نامگذاری‌های پرطمطراق و گذاشتن کلاس‌های به اصطلاح آموزشی تحت عنوان حفاظت و ایمنی، واقعیات جاری و ساری بسیار تلخ‌تر از آن است که گمان کنیم. برای درک عمق فاجعه‌ای که دارد بر سر کارگران آوار می‌شود، دانستن ویژه گیهای اقتصاد سرمایه‌داری مدرن کافی‌ست. مهمترین این ویژه گیها، خصوصی‌سازی

همه اموال عمومی است، که سالهاست کارگران ایرانی این فاجعه را درک و لمس کرده‌اند و هنوز شاهد امتدادش تا انتهای‌ترین خط حضور سرمایه هستند.

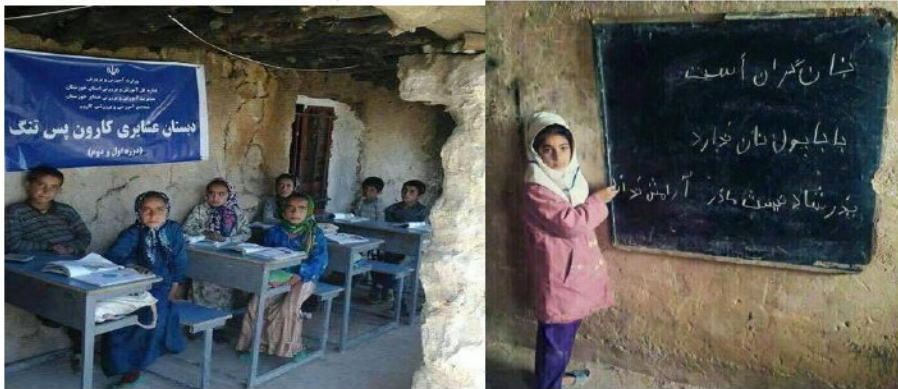
وطن‌خواه افزود: یکی از مطالبات صنفی کارگران پس از سرنگونی رژیم ستمشاهی و استقرار جمهوری اسلامی، حذف ماده سی و سه قانون کار شاهنشاهی از قانون کار و لحاظ کردن امنیت شغلی در قانون حاکم بر روابط کارگر و کارفرما (قانون کار) بود. متأسفانه اینک بیش از نود درصد از کارگران شاغل بدون امنیت شغلی و با انواع قراردادهای موقت و سفید امضا مجبور به فروش نیروی کار خود شده‌اند تا لقمه نانی به سفره برند که این نیز میسر نمی‌شود!

وطن‌خواه تأکید کرد: در غیبت تشکل‌های مستقل کارگری و هجوم هر روزه به سفره و امنیت کارگران، این قصه را سر باز ایستادن نیست، که نیاز سرمایه داران به توده‌های بی‌شکل و شمایل کارگران است بی کوچک‌ترین حقی برای اعتراض.

«ایمنی محیط کار از وظایف کارفرما و از حقوق انسانی کارگران است»

«جنبش کارگری میهن ما با مجموعه‌یی از سیاست‌های ضدکارگری روبه‌روست. طبقه کارگر ایران نخستین قربانی این برنامه‌ها و سیاست‌های ضدملی و ضدمردمی است. در این وضعیت حساس، جنبش کارگری وظیفه دارد از سویی صف‌هایش را در بخش سندیکایی تقویت کند و متحد سازد. و با استفاده از همه روزه‌ها- در راه احیای حقوق سندیکایی و حفظ هویت مستقل طبقاتی‌اش مبارزه کند، و از دیگر سو، در مقام یکی از گردان‌های اصلی و تأثیرگذار جنبش مردمی و جنبش عمومی مردم برضد سیاست‌های سرمایه داری و نفوذ امپریالیسم، با دیگر گردان‌های جنبش به‌منظور پیکار مشترک در راه عملی کردن عدالت اجتماعی، آزادی و تضمین حق حاکمیت ملی، پیوند ضروری، استوار، و مؤثرتری برقرار سازد.»

آیا از این همه ثروت سهم ما این است؟



این عکس مربوط به ایران، منطقه‌ی جازموریان در جنوب استان کرمان است.



این منطقه‌ی محروم با جمعیت ۵۴ هزار نفر، دارای ۹۵۰۰ دانش‌آموز است در حالی که هنوز اداره آموزش و پرورش ندارد، و بخشی از این دانش‌آموزان در مدارس کپری و مخروبه و گاه زیر سایه‌ی درختان درس می‌خوانند! محمد نور "امام‌جمعه" جازموریان گفته: «در این مناطق ۱۰ روستا داریم که دارای مدارس کپری یا مدارس درختی هستند؛ منظور از مدارس درختی این است که دانش‌آموزان زیر سایه درخت تحصیل می‌کنند. در برخی مدارس ابتدایی سرباز معلمان به تنهایی ۶ پایه تحصیلی دبستان را تدریس می‌کنند که باعث افت کیفیت آموزشی شده است به طوری که برخی

دانش‌آموزان پنجم یا ششم دبستان هنوز اسم خود را نمی‌توانند بنویسند. همچنین بالغ بر ۳۰ مدرسه تخریبی در جازموریان جنوب استان کرمان وجود دارد» بسیاری از پدر و مادرها در این منطقه فاقد شناسنامه هستند و در نهایت بچه‌های آن‌ها هم شناسنامه ندارند و به علت نداشتن مدرک شناسایی، مدارس از ثبت نام آن‌ها خودداری می‌کنند...

علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش، در جریان نشست شورای آموزش و پرورش استان کردستان، با صراحت اعتراف کرد که، کمبود بودجه مانع از رشد تحصیلی و افزایش کیفیت آموزش در مدارس سراسر کشور شده است. او گفت که، در سال جدید ۲۱ هزار میلیارد تومان بودجه آموزش و پرورش مقرر شده است که ۹۹ درصد از ۲۱ هزار میلیارد تومان به حقوق پرسنل اختصاص می‌یابد و فقط ۱ درصد از کل این بودجه برای دیگر قسمت‌های این وزارتخانه باقی می‌ماند. باید یادآور شد که، بیشتر بودجه وزارت آموزش و پرورش به وزیر، معاونان وزیر، مدیرکل‌ها، مشاورها، و روحانیون "شاغل" در آموزش و پرورش اختصاص دارد و دبیران و آموزگاران- و به‌طور کلی فرهنگیان شرافتمند و متعهد- از نظر دستمزد در مضیقه‌اند و قدرت خرید آنان مانند دیگر زحمتکشان فکری و یدی پایین‌تر از نرخ واقعی تورم است. به‌علاوه، خصوصی‌سازی آموزش و برپایی مدارس خصوصی، که به‌طور عمده مرکزهای مذهبی و روحانیون حکومتی آن‌ها را اداره می‌کنند، امنیت شغلی فرهنگیان را نابود و پایمال کرده است.

فرهنگیان کشورمان، امنیت شغلی، دستمزد عادلانه و مطابق نرخ واقعی تورم، حق بیمه و تامین اجتماعی مناسب، و کوتاه‌کردن دست واپس‌گرایان از سیستم آموزشی کشور را خواستارند. دبیران و آموزگاران متعهد، در چارچوب سیستم آموزشی واپس‌مانده و معیوب رژیم، با دشواری‌هایی جدی- به‌ویژه نبود امنیت شغلی- مواجه‌اند

تشکیل طبقات اجتماعی به زبان ساده بخش دوم

نظام برده داری

در این از مرحله پیشرفت جامعه های انسانی است که بهره کشی از انسانها توسط انسانهای دیگر آغاز میگردد. دیگر در جنگها اسرا را نمی کشتند بلکه آنها را بعنوان برده نگه میداشتند. برده داران با کمال بیرحمی از برده ها کار می کشیدند و به آنها آنقدر میدادند که از گرسنگی نمیرند و باز هم کار کنند. زندگی بردگان پر از رنج و فقر و بدبختی است برده داران نه تنها صاحب دسترنج برده ها بودند بلکه مالک خود برده ها نیز بوده اند و حق داشت هرچور که بخواهد با او رفتار کند حتا حق داشت او را به دیگری بفروشد. برده ها از شکل انسانی یا دارای حقوق انسانی خارج شده و به صورت کالا در آمده بودند. در کنار شکار حیوانات شکار انسانها نیز رواج پیدا کرده در این نوع جامعه (برده داری) دیگر از کار همگانی و همبستگی که در جامعه ابتدائی وجود داشت، خبری نیست بلکه فرمانفرمایی و ستم و بهره کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر جای آنها را گرفته است. جامعه به دو طبقه متضاد و غیر قابل سازش یعنی برده و برده دار تقسیم شده که خصمانه در برابر هم قرار دارند بهره کشی و بیرحمی طبقه برده دار باعث شد که طبقه برده دست به مقاومت و مبارزه بزند. برای سرکوب جنبش بردگان و حفظ منافع برده داران دستگاهی بوجود آمد که آنرا حکومت مینامند. در جامعه ابتدائی چنین دستگاهی وجود نداشت و لزومی هم نداشت. با پیدایش حکومت حقوق و قوانینی قضائی و مقرراتی پدید آورد که اراده طبقه حکمفرما را بیان میکردند و قدرت حکومتی مأمور اجرای آن بود. با این تغییرات آداب و رسوم و افکار و عقاید تازه ای بوجود آمد که محصول جامعه برده داری است. برده داران دیگر کار جسمانی انجام نمیدادند کار به چیزی پست و شغلی کم بها تبدیل گردید که شایسته انسان آزاد نبود. نابرابری ارزش انسانها در این دوران بصورت امری طبیعی درآمد. در این مرحله تقسیم کار اجتماعی دامنه

گسترده ای یافت و رشته های تازه ای در کارهای دستی بوجود آمد، کار کشاورزی از کارهای پیشه وری در شهرها مجزا شد و رشته های گوناگون شغلی در کار پیشه وری ظاهر گردید. تقسیم کار باعث کامل شدن ابزارهای کار و تخصصی و مهارت گردید. در کشاورزی در کنار تولید غلات رشته های جدیدی بوجود آمد (سبزیکاری، باغداری و غیره ...) از ابزارهای تازه ای از قبیل خیشهای روی چرخ، داس بلند، ... درست شد. استفاده از نیروی بدنی حیوانات در کنار نیروی عضلات انسانی رایج گردید. بکار گماردن توده بردگان ایجاد شبکه های آبیاری و ساختن راهها و کشتیها و سدها را ممکن کرد. بهره کشی از بخشی از جامعه این امکان را پدید آورد که پاره ای از اعضاء جامعه از شرکت مستقیم در کار آزاد شوند و مقدمات پیشرفت دانش و هنر فراهم گردد.

رفته رفته زمانی فرا رسید که امکانات جامعه برده داری برای پیشرفت جامعه به پایان رسید. و طرز تولید جامعه برده داری تبدیل به زنجیری به پای تکامل و رشد نیروهای مولد شد. برده داران که برده های فراوان و ارزانی در اختیار داشتند نیازی برای بهبود بخشیدن بیشتر به ابزارهای کار احساس نمی کردند. بعلاوه ابزارهای پیچیده و گرانبه را نمیخواستند به دست بندگانی بسپارند که از کار و وضع خود خوشنود و راضی نبودند. اعتمادی نیز به آنها نبوده است. اما نیاز جامعه به رشد نیروهای مولد تغییر روابط تولید را هر چه زودتر ایجاب میکرد. این شکل فقط بوسیله یک انقلاب اجتماعی قابل حل بود. نیروی محرکه جنبش انقلابی آن طبقات و قشرهایی شدند که در جامعه برده داری رنج میبردند و علاقه وافر به برکناری این نظام داشتند. در درجه اول بردگان فقیرترین قشرهای آزاد مردم به همان نسبت که تضاد موجود در طرز تولید کهنه رشد مییافتند، مبارزه طبقاتی نیز رواج میگرفت. مبارزه اشکال گوناگون بخود گرفته بود. بردگان ابزار تولید را خراب میکردند و در تولید محصول نیز اختلال ایجاد مینمودند و یا دست به قیامهای جمعی میزدند و سعی داشتند سود کمتری نصیب برده دارگرد. برده

دار نیز برای جلوگیری از خرابکاریها و بالا بردن سطح تولید مجبور شدند برده ها را در محصول یا حتی در بخش کوچکی از زمینها شریک کنند تا برده ها بیشتر دل به کار بسپارند و با رشد این اندیشه در بین برده دارها و حکومت حامی آنها نظام فئودالی پا به عرصه ظهور گذاشت.....

کیا سرایی

واردات ویرانگر صنعت و اقتصاد

غارت ثروت ملی و واریز آن در حساب های بانکی خارجی با واردات ۱۴ تن سنگ پا ، سنگ قبر، میخ، بند شلوار، چوب بستنی، پوست خربزه، تسبیح، مهر نماز، پونز، مداد تراش، عدس، زرد چوبه، رخت آویز، قرقره، نخود فرنگی، تیغه مدادتراش، سیر، خمیربازی، شمع، واکس، کفش، زیپ، الاغ، سوزن، دسته بیل، ماتیک،.....

آیا می توان باور کرد که ما با دانش هسته ای قادر به تولید پوست خربزه و دسته بیل و بندشلوارمان نیستیم؟ آیا ما با پرواز دادن موشک دوربرد و استراتژیک عماد نمی توانیم در پونز و سوزن و واکس کفش خودکفا شویم؟ آیا ما با تولید واکسن سرطان در دوره رییس جمهور قبل هنوز قادر به تولید شمع و خمیر بازی نباشیم؟ چه رابطه ای بین بابتک زنجانی ها و واردات و نابودی صنعت ایران و بیکاری میلیونها جوان ایرانی است؟ قطع واردات منافع چه کسانی را تهدید می کند؟ مردم ایران یا.....

تحریریه پیام سندیکا

شش ساعت کار در روز در سوئد اجرایی شد!

طرح کاهش ساعت کار از هشت ساعت به شش ساعت در روز در سوئد اجرایی شده است. این طرح بدون کاهش دستمزد و مزایا اجرا می‌شود.

در این زمانه که سرمایه‌داری حملاتی همه جانبه به سطح معیشت زحمتکشان را به پیش می‌برد، صحبت کردن از کاهش ساعات کار شاید بیشتر به یک آرزوی بیجا شباهت داشته باشد تا یک واقعیت! اما برای کسانی که خاطره دوران قبل از فروپاشی دیوار برلن هنوز در اذهانشان زنده است، ۶ ساعت کار در روز و یا ۳۵ ساعت کار در هفته، در جاهایی مثل فرانسه و سوئد پیاده و اعمال می‌شد. اگر امروز این مسئله بار دیگر اجرایی گردیده و درباره‌اش بحث می‌کنیم، به این خاطر است که اعتراض به بهره‌کشی کارگران در اوج خود است. تلاش کارگران برای یک زندگی بهتر و کاهش فاصله با طبقه سرمایه‌دار نه تنها شعار روزگار ۶ ساعته را کاملاً ملموس کرده بود، بلکه جنبش ۳۵ ساعت کار در هفته یک جنبش قدرتمند حداقل در اروپا بود.

این موضوع در سوئد و بعنوان یک پروژه دولتی پیگیری می‌شود، اما رسانه‌ها بطور معمول درباره‌اش سکوت کرده‌اند! پژوهشگرانی که این پروژه را دنبال کرده‌اند، نتیجه می‌گیرند که با کار روزانه ۴ ساعت می‌شود حتماً نتایج بهتری از بازدهی کار و فعالیت‌های اجتماعی نشان داد. احزاب دست راستی مثل حزب لیبرال و محافظه کار در سوئد اما می‌گویند پروژه روزگار شش ساعته آینده خوبی ندارد و سوگند یاد کرده‌اند که اگر قدرت پارلمانی را بدست بگیرند، ساعات کار را افزایش خواهند داد و پروژه ۶ ساعت کار در روز را متوقف خواهند کرد. این احزاب نشان داده‌اند که کاهش ساعات کار بدون کاهش دستمزد و مزایا، از آنجا که بیکاری را کاهش می‌دهد، هزینه مزایا و دستمزد را بالا می‌برد، برای دولت که حافظ منافع سرمایه‌داران است، به

صرفه نیست. رئیس حزب لیبرال گفته است که "پرداخت کنندگان مالیات" این ولخرجی را از سیاستمداران قبول نخواهند کرد!

ایده روزکار شش ساعته را دولت ائتلافی احزاب هم اکنون در قدرت در سوئد، که گویا ائتلافی از احزاب مرکز و چپ است، اجرا کرده است. در برابر ۵۵ ساعت کار در هفته، البته که ۳۵ ساعت کار در هفته، بدون کاهش دستمزد و مزایا، یک اقدام و عمل انسانی است.

رابطه ساعات کار طولانی با رفاه

"کسانی که بیش از ۵۵ ساعت در هفته کار می‌کنند، ۳۳ درصد بیشتر از کسانی که ۳۵ تا ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند در معرض خطر سکته مغزی قرار دارند." این یک نتیجه تحقیق درباره کار زیاد بوده است. درصد دقیقش را احتمالاً آدم‌های زیادی نمی‌دانستند، اما فیزیک اتمی نیست تا درکش خیلی پیچیده باشد که کار زیاد رابطه‌ای کاملاً معکوس با رفاه و سلامتی آدمیزاد دارد. انسان‌ها درباره دنیا هر طوری هم که فکر کنند، هر باور و ایدئولوژی که داشته باشند، وقتی که مقولاتی مثل "رفاه" و "سلامتی" را بخواهند معنی کنند، درکی نسبتاً واحد از آنها دارند. لذت بردن از زندگی، زندگی سالمی که بدون کمک دوا و دکتر، بدون ترس از سکته و امراض غیرطبیعی بشود عمری نسبتاً متوسط و مفید داشت. وقتی که تمام هدف زندگی کردن در خدمت پیدا کردن و نگه داشتن کار قرار می‌گیرد، رفاه و سلامتی جایگاه حاشیه‌ای در زندگی پیدا می‌کنند. وقتی دائم یادآوری می‌شود که نباید مریض بشوی و یا هم اگر مریض شوی و نتوانستی بر سر کار حاضر شوی، حتماً باید ثابت کنی که دروغی نگفته‌ای، آنوقت زندگی آدمیزاد بی معنا می‌شود.

در جامعه سرمایه‌داری، پیدا کردن و نگه داشتن کار خود به یک هدف بسیار مهم تبدیل شده است. یک دغدغه اصلی همه ما در جامعه سرمایه‌داری داشتن

شغلی با حداقل بیمه است. ترس از فردای بیکاری و از دست دادن بیمه، ترس از بازنشستگی بدون تأمین، همانند شمشیری است که بالای سرمان گرفته اند. وقتی که اجباراً بین ۸ تا ۱۰ ساعت و گاه بسیار بیشتر از آن باید کار کنیم تا فقط ضروریات اولیه ادامه زنده ماندنمان را تأمین کنیم، لذت بردن از زندگی، که شامل مطالعه، مسافرت، صرف وقت با خانواده و دوستان، ورزش و ... است، را باید فدای کارمان کنیم. همین پژوهش می‌گوید که بخش زیادی از آدم‌ها از کمبود خواب رنج می‌برند. چراکه مجبورند از زمان خواب و استراحت خوب بزنند تا در خدمت کار برای سود دیگران باشند. سود برای پر کردن جیب سرمایه‌داران، سود برای تأمین هزینه ارتش و دم و دستگاه سرکوب.

تشکل‌های کارگری کجا ایستاده‌اند؟

یک واقعیت تلخ دنیای امروز موقعیت تشکل‌های موجود کارگری و جایگاهی است که این نهادها در برخورد به اعتراضات و مطالبات کارگری خود را در آن قرار می‌دهند. بجز چند استثنا، مثل مورد ت ژ ت در فرانسه و یا کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری در تونس، معمولاً تشکل و نهادهای موجود کارگری گام‌ها از اعتراضات در جامعه عقب‌بند. معمولاً به "منافع" صنفی اعضای خود و شاید بهتر است گفته شود، در یک حالت دفاعی از آنچه که اعضایشان هم اکنون دارند، چسبیده و در بهترین حالت از همینی که دارند دفاع می‌کنند. گرچه بارها عملاً ثابت شده که اگر دست به تعرض نزنند، از همان موقعیتی که در آن هستند هم عقب رانده می‌شوند؛ اما باز هم حاضر نیستند گامی جلو بردارند. این به نظر من از سر سیاستی است که این نهادها اتخاذ کرده‌اند. اما تا جایی که به برخورد این نهادها به کاهش ساعات کار مربوط می‌شود، عموماً نسبت به آن بی تفاوتند. مثلاً فدراسیون اتحادیه‌های کارگری سوئد، LO، اعتراف و اقرار کرده که اهمیت زیادی به پروژه کاهش ساعات کار ن داده است. بالاتر هم گفتم که در بحبوحه جنبش کاهش ساعات

کار در اروپا، نهادهای کارگری موجود در آمریکا هیچوقت به این موضوع توجهی نشان ندادند.

جدا از چهارچوب نهادهای موجود کارگری، برای همه فعالین کارگری ای که مشغله متحد و متشکل کردن کارگران هم و غمشان است، توجه خاص به کاهش ساعات کار به شش و یا چهار ساعت کار، باید در مرکز ثقل مبارزه بر علیه بیکاری و بهبود وضعیت رفاه، سلامت و معیشتی کارگران قرار بگیرد .

ناصر اصغری

رابطه کار و دستمزد . بدون شرح



۶۰ میلیون تومان دستمزد ماهانه مرتضوی رییس سابق تامین اجتماعی برای دزدی های کلان ، ۲۸ میلیون دستمزد معاون رییس تامین اجتماعی، ۶۰ میلیون دستمزد معاون وزیر بهداشت.....

فعالیت‌های سندیکایی را چگونه شروع کنیم؟ فعال سندیکایی کیست؟



بعضی‌ها تصور می‌کنند که باید قبل از هر چیز برای کارگران توضیح دهیم که در چه شرایط سختی زندگی می‌کنند تا بتوانند علیه این وضع مبارزه کنند. چنین تصویری بی‌پایه است. زیرا هر کس که کار می‌کند و با کار و زحمت خودش نان بخور و نمیر خود و خانواده‌اش را بدست می‌آورد بهتر از هر سخنران و مبلغی می‌داند که دشواری زندگی چیست و سنگینی آن بر دوش کیست. اما آنچه کارگران باید بدانند این است که چگونه می‌توان با مبارزه دسته جمعی دشواری‌ها را از پیش پا برداشت و نقش سازماندهی و تشکل در این میان چیست. کارگران به درستی اطلاع ندارند که بسیاری از زحمتکشان جهان که در شرایط بسیار وحشتناکی زندگی می‌کردند از طریق تشکل و سازماندهی توانستند دست استعمارگران و ستمگران را از سرشان کوتاه کنند. اغلب دیده شده است کارگران به اهمیت تشکل تا حدودی آگاهی دارند و وجود سندیکا را لازم می‌دانند اما در برابر مخالفت‌های شدید کارفرمایان و یا حکومت دست به اقدام جدی برای تشکیل سندیکا نمی‌زنند. آن‌ها این کار را سنگ بزرگی می‌دانند که قدرت بلند کردن آنرا ندارند و چون کار انجام نگرفته است، مشکلات چون کوهی در برابرشان قرار می‌گیرد. برای حل این مشکل باید کار را از جایی شروع کرد که اقدام دسته‌جمعی عملی باشد. چه کسی باید در این کار پیشقدم باشد؟ فعال سندیکایی.

فعال سندیکایی کسی است که در محیط کار و زندگی، فعالانه مدافع کارگران باشد و در عمل نشان دهد که در این راه ثابت قدم است. بعضی‌ها به اشتباه فکر می‌کنند که در ابتدا باید کلی کتاب خوانده باشند و از روی یک سری نسخه‌های

از پیش تهیه شده عمل کنند. آن‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که برای سازماندهی سندیکایی، دستخط و یا نسخه‌هایی وجود دارد که بدون آن، امر تشکل غیر ممکن است. فعال سندیکایی باید از کتاب زندگی روزمره محیط زحمتکشان بیاموزد، فکرش را به‌طور اساسی برای شناخت این واقعیات بکار اندازد. فعال سندیکایی باید با کارگران ارتباط و پیوند عمیقی داشته باشد. او باید در همه مبارزات داخل واحد تولیدی پیشقدم باشد. او در شوراهای کارکنان، نقش بیانگر حقوق واقعی کارگران را بعهده دارد. در شرکت‌های تعاونی کارگران فعال است و هر جا که مطالبات کارگران مطرح باشد حضور دارد و در اس اقدامات دسته‌جمعی قرار می‌گیرد.

گسترش فعالیت‌های سندیکائی در داخل واحدهای کار و پیوند آن با فعالیت‌های سندیکایی خارج از محیط کار پیوند بین کارگران و فعال سندیکایی موجب می‌شود که نقش عناصر آگاه برای گسترش اقدامات دسته‌جمعی روز بروز زیادتر شود و قدم‌های اولیه و لازم برای ایجاد تشکل برداشته شود. یعنی در مرحله اول، تشکل و اقدام دسته‌جمعی از یک مسئله ساده شروع می‌شود و سپس مسائل مهم‌تر و بالاخره به اساسی‌ترین خواسته‌های کارگران می‌رسد.

هر اقدام دسته‌جمعی کوچکی مانند جویبار کوچکی است که راه را برای رودخانه باز خواهد کرد و فعال سندیکایی مانند راهنمایی است که مسیر جلو رفتن و حرکت را به کارگران نشان می‌دهد. هر اندازه که اقدامات دسته‌جمعی گسترش یابد و حرکت رو بجلو برود، به همان اندازه جویبارها بهم می‌رسند و راهنمایان به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند.

نکته‌ای که باید در امر تشکل مورد توجه قرار گیرد این است که باید از خواست‌های کوچک شروع کرد تا کارگران به دلیل موفقیت و رسیدن به مطالباتشان، تشویق به شرکت بیشتر در مبارزه شوند. اما البته این کار همیشه مقدور نیست و چه بسا ناکامی‌هایی نیز در جریان مبارزه پیش آید. این ناکامی‌ها ممکن است به دلیل انتخاب نامناسب شعارها باشد و یا برعکس شعارها صحیح و خوب باشد، اما کارگران هنوز درستی این شعارها را در تجربه درک نکرده باشند. در چنین وضعیتی باید مسائل را موشکافی کرد و با صبر و حوصله لازم برای کارگران توضیح داد که علت چه بوده است. کارگران در جریان

حرکت‌های اعتراضی روز بروز تجربه‌های بیشتری بدست می‌آورند. اما اگر مبارزه فعالان سندیکایی با فعالیت‌های سندیکایی خارج از محیط کار پیوند پیدا نکند، رشد فعالیت‌های سندیکایی در داخل کارخانه بسیار ناچیز خواهد بود. لازم است که فعالیت‌های خارج، یعنی فعالیت‌های کارگران کارخانجات دیگر در سطح شهر و نیز در سراسر کشور در داخل کارخانه مورد نظر انعکاس یابد. از این راه قدرت و اثر بخشی فعالیت‌های سندیکایی سراسر جامعه و پیوند آن با مبارزات داخلی آشکار گشته و کارگران با توان بیشتری دست به اقدامات دسته‌جمعی خواهند زد.

خ. آوایی کارگر بافنده

«وظیفه مهم جنبش کارگری میهن ما، در این مقطع زمانی حساس، علاوه بر تشدید مبارزه در مسیر تأمین منافع و حقوق سندیکایی و صنفی‌اش، حرکت آگاهانه و سازمان‌یافته‌اش در جهت پیوند دادن خواست‌ها و منافع مشترک لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی‌ای است که با سرمایه داری و سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی ضد‌مردمی آن مخالف و از آن‌ها ناراضی‌اند. حضور جنبش کارگری و میزان سازمان‌یافتگی آن در مرحله کنونی مبارزه، اهمیت فراوان دارد. زیرا هرچقدر توان، قدرت مانور، و میزان آمادگی جنبش کارگری بیشتر باشد، به همان اندازه نقش و تأثیر جنبش مردمی در معادله‌های صحنه سیاسی بیشتر می‌شود. رابطه‌ی مستقیم میان توان و استحکام درونی جنبش کارگری با قدرت جنبش مردمی و درجه اثرگذاری‌اش بر تحول‌های سیاسی و مبارزه طبقاتی وجود دارد. بنابراین، فعالان و مبارزان جنبش کارگری علاوه بر مبارزه خستگی‌ناپذیرشان در راه اتحاد عمل و وحدت در جنبش سندیکایی و کارگری و تقویت کردن صف‌های آن، وظیفه دارند آگاهی سیاسی - طبقاتی را به درون توده‌های کارگر ببرند و با صبر و شکیبایی و به‌دور از هرگونه ذهنی‌گرایی، زمینه‌های پیوند با دیگر جنبش‌های اجتماعی را فراهم کنند و بر میزان مؤثر بودن جنبش مردمی در صحنه سیاسی کشور بیفزایند. در ماه‌های پیش رو، و در افق سیاسی میهن ما، رخدادهایی نمایان گردیده است که وظیفه جنبش کارگری و مسئولیت تاریخی‌اش را برجسته‌تر و پراهمیت‌تر از پیش می‌سازد»

تقدیم به دوستان سندیکایی :

دوست که باشی

فرقی نمی‌کند

که زن باشی یا مرد...

دور باشی یا نزدیک...

رفاقت فاصله‌ها را پر می‌کند

گاهی با حرف...

گاهی با سکوت...

دوست که باشی

فرقی نمی‌کند

از کدام فصلیم یا کدام نسل...

رفیق بودن

لفظ ظریفیست...

فرقی نمی‌کند

جیب‌هایت پُر است یا خالی...

بیا...

فقط رفیق باشیم

رفیق!!!

فرستنده : حمید شرقی

تقدیم به سنديکای فلزکار

انقلاب با حرفهای بزرگ شروع نمی شود
 بلکه با کارهای کوچک
 مانند خش خش آرام نسیم در باغچه
 یا گربه ای که پاورچین پاورچین قدم برمی دارد
 مانند رودهای بزرگ
 با سرچشمه های کوچک در دل جنگلی
 مانند حریقی بزرگ
 با همان کبریتی که
 سیگاری را روشن می کند
 مانند عشق در یک نگاه
 و به دل نشستن صدایی که تو را جذب می کند.
 انقلاب با پرسشی از خود
 آغاز می شود
 و سپس همان سوال را از دیگری پرسیدن
"رمکو کامپرت"

تقدیم به کشته شدگان انفجار های ضد انسانی پاریس ، لبنان ، سوریه ،
عراق. ما باشما همدردیم .

«سه گانه ی کشتار پاریس»

شعری از یغما گلرویی

«یک»

به کنسرت رفته بودند

برای شادی

برای آنکه به گلوله باور نداشتند

اما با آن کشته شدند.

نت ها گلوله خوردند،

سازها گلوله خوردند،

انسان ها گلوله خوردند...

اما موسیقی

سرانجام پیروز می شود.

«دو»

جلیقه ی که به تن داری

حریف سرمای پاییزی پاریس نمی شود!

با تپانچه ی زیر کمر بندت

نمی توانی بترسانی

مردمی را
که شعف و شراب و شعر را می شناسند.

ماشه را بچکان!

منفجر شو!

ما همچنان

زندگی را فریاد می زنیم

با دهان هایی که بوی شراب می دهند.

«سه»

اشک هایت را پاک کن!

شهر دختر زخمی خون آلود!

با موهای سوخته هم زیبایی!

هیتر و داغش نمی توانند

زیبایی تو را

به زانو درآورند.

قاضی: اسم؟

برتولت برشت: شما خودتان می دانید!

قاضی: می دانیم اما شما خودتان باید بگویید.

برشت: خب. من رو به خاطر برتولت برشت بودن محاکمه می کنید! دیگه چرا باید اسم رو بگم؟!

قاضی: با این حال باید اسم تان رو بگویید. اسم؟

...برشت: من که گفتم. برشت هستم.

قاضی: ازدواج کرده اید؟

برشت: بله!

قاضی: با چه کسی؟

برشت: با یک زن!!

[خنده حضار در دادگاه]

قاضی: شما دادگاه را مسخره می کنید؟

برشت: نه این طور نیست.

قاضی: پس چرا می گوئید با یک زن ازدواج کرده اید؟

برشت: چون واقعاً با یک زن ازدواج کرده ام!

قاضی: کسی را دیده اید که با یک مرد ازدواج کند؟

برشت: بله!

قاضی: چه کسی؟



برشت: همسر من!! او با یک مرد ازدواج کرده است!

[خنده حضار در دادگاه]

محاکمه آزادیخواهان همیشه فرصتی بوده برای افشاء و تمسخر دیکتاتورها...

برتولت برشت ۱۸۹۸_۱۹۵۶

مرد وارد داروخانه میشود!

از متصدی میپرسد: آقا کرم ضد سیمان دارید؟

متصدی که سوژه ای برای تمسخر پیدا کرده بود گفت:

ما همه جور کرم داریم ضد گچ / ضد زنگ ولی ضد سیمان یکم گرون تره!

مرد میگه ایرانش نیست یکم ارزون باشه! بعد دستش رو بطرف صورت متصدی میگیره و میگه:

از وقتی هوا سرد شده سیمان بدجور دستم رو اذیت میکنه دیگه شبا نمیتونم صورت دخترم رو نوازش کنم! بیشتر برای نوازش دخترم میخام!

متصدی اشک تو چشمهایش جمع شد و سرش رو پایین انداخت...

یادمون باشه برای خندیدن گرفتاری دیگران رو دست آویز نکنیم! شاید روزی ما هم با کفشهای اونها مسیر زندگی رو طی کنیم



۵ آذر روز جهانی برای محو خشونت علیه زنان را گرامی می‌داریم. به همین خاطر این بخش را تقدیم می‌کنیم به زنان مبارز کشورمان که در راه بهبود شرایط زنان چه در روستاها و چه در دانشگاه و چه در کارخانه‌ها و ادارات می‌کوشند.

در این مجموعه می‌کوشیم مبارزات زنان و موفقیت‌های آنان را به نمایش بگذاریم.

تحریریه پیام سندیکا

پنجم آذر در تقویم دنیا روز مهمی است؛ این روز، روز جهانی حذف خشونت علیه زنان است. و نمادی از تلاش برای رساندن زنان به جایگاه انسانی‌شان.

هر روز زنان زیادی در دنیا به دست مردان کتک می‌خورند، زخمی می‌شوند، شکنجه می‌بینند، تحقیر می‌شوند، محروم می‌مانند و در خلوتی که کسی از آن خبردار نمی‌شود هر روز زجر جسمی و روانی می‌بینند آن هم به این علت که مردان خشونت طلب در سراسر دنیا همچنان زن را جنس دوم می‌دانند.

در ایران هم زنان و دختران زیادی قربانی خشونت‌های خانگی می‌شوند؛ همان خشونت‌هایی که به آن «ظلم مضاعف علیه زنان» گفته می‌شود، اما به خاطر نوع فرهنگ مردم یا در پستوی خانه‌ها دفن می‌شود یا به خاطر نبود حمایت‌های قانونی از زنان آسیب دیده، پس از شکایت به مراجع قانونی، همان اندک امنیت زنان در محیط خانه نیز از بین می‌رود.

درس‌هایی از تاریخ مبارزات درخشان جنبش‌های کارگری در جهان

اتحاد، مبارزه، پیروزی

تاریخ مبارزات کارگری جهان سرشار از نبردهای نفس‌گیر و شورانگیزی است که پیروزی‌هایی چشمگیر به دنبال داشته‌اند و قدرت شگفت‌انگیز اتحاد و پیگیری در مبارزه برای تحقق خواست‌های بنیادی زحمتکشان را نشان می‌دهند. دستاوردهای زحمتکشان درزمینه‌های گوناگون، از دستمزد های مناسب گرفته تا ساعت‌های کار و تعطیلی هفتگی و مرخصی و بیمه و اضافه‌کاری و غیره، در روند پیکارهای طولانی و پُرنج ولی افتخارآمیزی به‌دست‌آمده است که نمونه‌های پیروزمند آن را در تاریخ مبارزات کارگری کشور خودمان در چند دهه گذشته فراوان می‌توان یافت. به‌پشتوانه همین پیشینه درخشان است که امروز زحمتکشان جهان، و از جمله کارگران و زحمتکشان ایران، در برابر تلاش اردوی سرمایه جهانی و ارتجاع برای بازپس‌گیری دستاوردهای زحمتکشان، و نقض بنیادی‌ترین حقوق آنها درزمینه‌های شغلی و سندیکایی، جانانه مقاومت می‌کنند. از یکسو، اردوی سرمایه جهانی برای به حداکثر رساندن سود خود زندگی‌ها را متلاشی و مقاومت‌ها را سرکوب می‌کند، و از سوی دیگر، زحمتکشان به‌طور طبیعی برای تأمین یک زندگی شایسته و شرایط کار انسانی تلاش می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. برخورداری از یک زندگی شایسته حق هر انسانی است، و سنگ اندازی در تأمین این زندگی از سوی هر نهاد خصوصی یا دولتی که باشد، ظلم و ستمی است نابخشودنی به خانواده‌های زحمتکشان. آنچه در ادامه می‌خوانید، نمونه درخشانی است از اتحاد زنان کارگر "زنجیر سازی" در انگلستان و مبارزه جمعی و متشکل آن‌ها، که سرانجام شیرین آن پیروزی کارگران و دستمزدهای بهتر برای آن‌ها بود.

در سده نوزدهم میلادی بیشتر تولید زنجیرهای بزرگ دیگر از حالت تولید کارگاهی درآمده و صنعتی شده بود. اما تولید "زنجیرهای کوچک" برای استفاده در کشاورزی و وسایل خانگی هنوز وجود داشت و به‌طور عمده در خانه‌ها و اتاق‌های گوشه حیاط خانه‌ها به حیات خود ادامه می‌داد. بیشتر این تولید در کارگاه‌های بسیار کوچک و به‌طور دستی توسط زنان و دختران

جوانی انجام می‌شد که اغلب فاقد تشکل اتحادیه‌ای بودند و در شرایطی نامناسب و اجحاف‌آمیز کار می‌کردند. درگذر سال‌ها، صنعت زنجیر سازی کوچک به تدریج در شهر کوچک "کرادلی هیت" در "وست میدلند" [در انگلستان] متمرکز شد. مزدی که به بسیاری از کارگران پرداخت می‌شد ۳ شیلینگ در هفته بود که مبلغی بسیار ناچیز بود. برای مقایسه، کارگران بارانداز لندن در سال ۱۸۸۹ برای دستمزد ۶ شیلینگ در ساعت اعتصاب کرده بودند. هر کوششی برای بهبود شرایط کارگران زنجیرساز در کارگاه‌های کوچک و خانگی، با تهدید کارفرمایان به ماشینی کردن تولید روبرو می‌شد که می‌توانست به قیمت بیکار شدن همه کارگران تمام شود. در آغاز سده بیستم، در سال ۱۹۰۵، زنجیر سازان زن در کرادلی هیت "انجمن چکش کاران و زنجیر سازان محلی کرادلی هیت و حومه" را تشکیل دادند که در حقیقت یک اتحادیه واقعی و اصیل بود که به ندرت در تاریخ مبارزاتی این کارگران به این امر اشاره می‌شود. در سال ۱۹۰۷ این انجمن به فدراسیون سراسری کارگران زن (NFWW) پیوست و به بخش زنجیر سازان این فدراسیون تبدیل شد. در شرایط آن روز، اتحادیه‌ها بیشتر محلی و متعلق به صنف یا حرفه‌ای خاص بودند. اما با نیرومند تر و پیکارجو تر شدن جنبش اتحادیه‌ای در سال‌های نخستین سده بیستم، روند ایجاد تشکل‌های فراگیرتر شتاب گرفت. در کنار این روند، کارزار عمومی علیه شرایط نامناسب و بهره‌کشی شدید در بخش صنعت، که اکثر کارگران آن‌ها زن بودند، سرانجام به ایجاد جنبشی در طبقه کارگر انجامید. در سال ۱۹۰۹، در پی انتخاب شمار اندک اما رو به افزایشی از نمایندگان حزب کارگر در مجلس، دولت لیبرال "قانون هیات‌های صنفی" را تصویب کرد که در تلاطم‌های کارگری ۶۰-۷۰ ساله در صنعت زنجیر سازی منطقه [Black County سرزمین سیاه، به علت دوده فراوان ناشی از سوخت زغال‌سنگ در این منطقه بسیار صنعتی] تأثیر چشمگیری داشت. در جاهایی که "ترخ دستمزد رایج در شاخه‌ای از صنف یا حرفه در مقایسه با دستمزد در بخش‌های دیگر بیش از اندازه پایین بود" این قانون امکان تعیین حداقل دستمزد در آن شاخه را فراهم می‌کرد. در آغاز سال ۱۹۱۰، برای زنجیر سازان دست‌کار، که با چکش دستی کار می‌کردند، حداقل دستمزد ۲/۵ پنی در ساعت، برای ۵۵ ساعت کار در هفته، پیشنهاد شد که تقریباً دو برابر میزان پرداختی رایج در آن زمان بود (برای مقایسه، بهای

یک قرص نان در آن زمان ۲/۵ پنی بود) [هر شیلینگ=۱۲ پنی]. با نزدیک شدن مهلت اجرای دستمزدهای جدید در کارگاه‌های زنجیر سازی کوچک، کارفرمایان اعلام کردند که دستمزدها را مطابق با قانون جدید نخواهند پرداخت و در ضمن همان شیوه پیشین پرداخت بر اساس تعداد جنس تحویل‌شده را ادامه خواهند داد. برخی از کارفرمایان حتی با نیرنگ و فریب زنان کارگر را مجبور به امضای برگه‌هایی کردند که در آن از حق خود برای دریافت دستمزد مطابق قانون جدید چشمپوشی کنند. وقتی معلوم شد که کارفرمایان تمایلی برای اجرای قانون جدید ندارند، از همه "کارگران زن چکش کار در صنف زنجیر ساز" خواسته شد تا بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۱ آوریل ۱۹۱۰ را نصف روز تعطیل کنند و برای شنیدن گزارشی درباره "قانون هیات‌های صنفی" و تأثیر آن بر صنف زنجیر ساز در یک جلسه جمع شوند. سخنرانان این جلسه، خانم مری مک آرتور، فعال اتحادیه‌ای، و آقای جی جی مالون، رئیس "اتحادیه ضد شرایط نامناسب کار" بودند. در آن زمان در حدود ۷۰۰۰ کارگر زنجیر ساز در کارگاه‌های کرادلی و حومه کرادلی هیت کار می‌کردند که دوسوم آنان زن بودند. در حدود ۸۵۰ نفر از کارگران به علت نپذیرفتن موضع کارفرمایان در سرپیچی از اجرای قانون حداقل مزد، دست به اعتصاب زدند، یا اینکه قبل از آنکه اعتصاب کنند، کارفرمایان جلوی ورود آن‌ها را به کارگاه‌ها گرفتند و آن‌ها را پشت درهای بسته گذاشتند. خانم مک آرتور یکی از شخصیت‌های محوری در این مناقشه کارگری-کارفرمایی بود. او در مقام رهبر فدراسیون سراسری کارگران زن (NFWW) در فشار آوردن به صاحبان قدرت و پیش بردن کارها، لابی‌گری در مجلس، و جلب توجه مطبوعات و "هیات‌های صنفی" توانست نقش مهمی بازی کند. او همچنین در جمع‌آوری کمک‌های مالی به مبلغ هنگفت ۴۰۰۰ پوند (معادل ۳۷۰,۰۰۰ پوند به ارزش پول امروز) برای صندوق اعتصاب نقش برجسته‌ای داشت. به پشتوانه همین کمک مالی بود که اعتصاب‌کنندگان توانستند مبارزه خود را به مدتی طولانی ادامه دهند. یکی دیگر از نکته‌هایی که در این پیکار کمتر به آن پرداخته می‌شود این است که بیشتر کار عملی‌ای که در این مناقشه انجام گرفت، از جمله وظیفه سنگین حفظ اتحاد زنان کارگر و پشتیبانی فعالان اتحادیه‌ای مرد به عهده جولیا وارلی (۱۸۷۱-۱۹۵۲م) بود، چون خانم مک آرتور مجبور بود بیشتر وقت خود را در لندن

بگذراند. وارلی زندگی کاری اش را در ۱۳ سالگی در کارخانه پشم و کاموای بردفورد (Bradford) در شغل رُفتگری شروع کرد. در کردلی هیت اوضاع خیلی حاد شده بود. جمع زیادی از زنان از امضای برگه‌ای که کارفرمایان را از اجرای قانون هیات‌های صنفی درباره حداقل دستمزد مستثنا می‌کرد، خودداری کرده بودند. در روز ۲۷ اوت ۱۹۱۰ (شهریور ۱۲۸۹ش) کارفرمایان درهای کارخانه‌ها را بروی کارگران بستند و از ورود آن‌ها به محل کار جلوگیری کردند. در هفته اول اعتصاب، نشست همگانی کارگران به راهپیمایی خیابانی آنان همراه با خواندن ترانه‌های شور آور منتهی شد. شعبه کردلی هیت فدراسیون سراسری کارگران زن همچنان برای تأمین زندگی کارگران اعتصابی به آن‌ها کمک مالی می‌کرد. در هفته نخست اعتصاب، ۲۱۲ کارگر عضو اتحادیه و ۲۰۲ کارگر که عضو اتحادیه نبودند هرکدام به ترتیب ۵ شیلینگ و ۲ شیلینگ و نیم دریافت کردند. تأثیر این کمک مالی تکان‌دهنده بود. در هفته دوم، تعداد کارگرانی که از این کمک مالی برخوردار شدند به ۲۲۶ کارگر عضو اتحادیه و ۴۳۰ کارگر غیر عضو افزایش یافت. در همین هفته، یک تظاهرات رسمی ترتیب داده شد و ۵۰۰۰ نفر از مردم در مقابل دبستان محله گرینجر (Grainger) تجمع کردند. صف تظاهرکنندگان، که دسته موزیک کواری بانک (Quary Bank) پیشاپیش آن حرکت می‌کرد، تا کردلی و دروازه کولی (Colley) رفت و دوباره از همان مسیر به محل اول بازگشت. خیلی از تظاهرکنندگان کودکانشان را نیز با خود به راهپیمایی آورده بودند. همه به‌دقت به سخنرانی وارلی و نماینده خانم مک آرتور که از لندن آمده بود گوش می‌دادند. زنان کارگر روحیه‌ای شاد داشتند و حتی احساس رهایی می‌کردند. هر شنبه عده‌ای از زنان برای جمع‌آوری کمک مالی به مناطق دوردست و حتی تا بیرمنگام (Birmingham) و سراسر منطقه صنعتی "سرزمین سیاه" می‌رفتند و با دستی پُر بازمی‌گشتند. هیچ‌کس از آن‌ها نمی‌پرسید که آیا اجازه جمع‌آوری پول در خیابان رادارند یا نه. فقط کافی بود که ظرف‌هایشان را به صدا درآورند و ندا دهند: "به اعتصاب دختران کردلی کمک کنید!" پشتیبانی مردم از اعتصاب‌کنندگان چشمگیر بود و روزنامه‌ها نیز گزارش‌های بسیار شورانگیزی منتشر می‌کردند. روزنامه دیلی اکسپرس در شماره روز اول سپتامبر ۱۹۱۰ خود مقاله‌ای درباره خانم راند (Patience Round)، "اعتصابی ۷۹ ساله" و یکی دیگر از ۱۲ زنجر ساز اعتصابی که

بیشتر از ۷۰ سال داشتند منتشر کرد. نشریه بیرمنگام دیسپچ (Birmingham Despatch) هم درباره این خانم نوشت که از ۱۰ سالگی زنجیر سازی می‌کرده است. این گزارش‌ها با اشاره به افق زندگی محدود خانم راند که "در زندگی‌اش هیچ‌گاه از محدوده کاردلی هیت خارج نشده است"، درباره زندگی خصوصی او نوشتند که برای تأمین معاش و هزینه نگهداری شوهر معلولش، چاره‌ای نداشته است جز اینکه از طلوع تا غروب آفتاب کار کند. در روزنامه‌ها از قول خانم راند نوشتند که: "این روزها، روزهای خیلی خوبی است... هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم که برای تحقق حقوق زنان زندگی و مبارزه کنم." در آن زمان ۶۳۸ تن از کارگران زن پشت درهای بسته مانده بودند که ۳۲۰ تن از آن‌ها عضو اتحادیه بودند و ۳۱۸ تن از آن‌ها عضو نبودند. در مجموع ۸۰۰ کارگر اعتصابی از صندوق اعتصاب کمک مالی دریافت می‌کردند و تقریباً با اطمینان می‌توان گفت که به این دلیل بود که کارگران توانستند به اعتراض خود ادامه دهند، به طوری که در عرض یک ماه، ۶۰ درصد از کارفرمایان موافقت کردند که حداقل دستمزد قانونی را بپردازند. اکنون زمان انتظار بود. در هفته سوم اعتصاب، در یک روز دوشنبه، یک گردهمایی اعتراضی در برابر تئاتر امپایر برگزار شد. در هفته چهارم نیز این گردهمایی تکرار شد. تا آن زمان ۳۵ کارخانه‌دار با پرداخت دستمزد کامل موافقت کرده بودند. در ۲۴ سپتامبر، یعنی در هفته پنجم مناقشه کارگران و کارفرمایان، دیگر روشن بود که روند حل و فصل مناقشه دارد به خوبی به سود کارگران پیش می‌رود. صاحبان کارخانه‌های کوچکتر و واسطه اعلام کردند که آماده‌اند دستمزدها را بر اساس نرخ مصوب هیات صنفی بپردازند، به شرط آنکه کارفرمایان عمده موافقت کنند که فقط به چنین کارخانه‌هایی که پرداخت با نرخ قانونی را پذیرفته‌اند جنس سفارش دهند. در این زمان ۶۰۰ کارگر عضو اتحادیه با مزد تصویب‌شده قانونی کار می‌کردند، ولی ۱۴۰ کارگر عضو اتحادیه و ۲۸۰ کارگر غیر عضو هنوز درگیر مناقشه بودند و به توافق نرسیده بودند. در هفته ششم، در یک روز یکشنبه، گردهمایی بزرگ دیگری در تئاتر امپایر برگزار شد که این بار سخنرانان اصلی آرتور هندرسون، رهبر فراکسیون حزب کارگر در مجلس، و جان گالزورتی (John Galsworthy)، داستان‌نویس مشهور، بودند. کارفرمایان پیشنهاد کارخانه داران واسطه را رد کردند و اختلاف و مناقشه به ماه اکتبر کشیده شد، ضمن آنکه

روز به روز حادثه‌تر نیز می‌شد. کار از گفتگو به تظاهرات ایستاده در برابر تمام کارخانه‌ها تبدیل شد، عملی که امروزه آن را اصطلاحاً "گام بعدی" می‌خوانند. سرانجام توافق غیرمنتظره‌ای به عمل آمد که نشان از کوتاه آمدن کامل کارفرمایان داشت. همه کارفرمایان موافقت کردند که فقط با کارخانه‌داران واسطه‌ای که دستمزدهای جدید را پذیرفته‌اند معامله کنند. تا آنزمان دستکم ۱۳۵ کارخانه‌دار واسطه دستمزدهای قانونی جدید را پذیرفته بودند.

در همان روز، در تجمعی از زنان که در دبستان محله گرینجر برگزار شد، حاضران همگی بر این نظر بودند که آنچه روی داده است، پیروزی قطعی و کاملی است که آن‌ها در ده هفته گذشته به دنبال آن بوده‌اند. به این زنان کارگر پیشنهادهای بی‌شماری برای پایان دادن به اعتصاب و بازگشت به کار داده شده بود، اما آنچه آن‌ها را راضی می‌کرد، فقط و فقط دستیابی به همه خواسته‌هایشان بود و نه هیچ چیز دیگر. نکته جالب دیگر اینکه در این نبرد حتی یک کارفرما ورشکست نشد، هیچ زنی کارش را از دست نداد، و هیچ کارخانه‌ای هم به خارج از کشور منتقل نشد.

برگرفته از نشریه انگلیسی مورنینگ استار، به نقل از جزوه "تاریخ ما: بیداری زنان"

انشای پسر بچه آلمانی به پدر رفتگرش:

پدر عزیزم من به خوبی میفهمم که بسیار با شرف است آنکس که انسان باشد و بین اشغال‌ها نان پیدا کند، تا آنکس که اشغال باشد و بین انسانها نان پیدا کند!!!!!!...

(این متن برنده جایزه در آلمان شد)



بانوی افغان تبار در کانادا وزیر شد

مریم منصف، دختر افغانستانی به عنوان جوانترین وزیر کانادا در حضور نخست وزیر کانادا سوگند می خورد. وی در ایران پناهنده بود. بعدها به کانادا مهاجرت کرد و اکنون به مقام وزیری در این کشور دست می یابد. در ایران هزاران کودک افغان همچنان از تحصیل محرومند. افغانها حتی اجازه ی ورود به بعضی شهرها را ندارند. زنان ایرانی بعد از ازدواج با مردان افغان نمی توانند برای فرزندان خود شناسنامه بگیرند. اگر مریم در ایران می ماند سرنوشت او چگونه بود؟

مریم منصف ۳۰ ساله اولین زن و جوانترین عضو پارلمان کانادا از شهر پیتربورو است. از مریم منصف در سالون که در آن پیروزی این خانم جوان به حیث عضو پارلمان کانادا اعلان شد، با گرمی استقبال شد. وی ۲۰ دقیقه صحبت کرد و از خانواده حامیان و تیم انتخاباتی اش ابراز سپاس نمود. مریم منصف گفت: " این شب خوشی است، ما برای پیروزی تلاش زیاد کردیم." وی نخست از مادرش سوری بشیر منصف تشکری کرد که در هر لحظه کمپین وی را همراهی کرده بود..

مریم در مراسم دیشب گفت: " این برای یک خانم جوان و بیوه خیلی مشکل بود که با دو دخترش از چنگ طالبان فرار نموده و زنده گی نوی را آغاز کند این کار ساده نیست که سه دختر جوان و با افکار قوی را پرورش داد ولی مادرم این کار را در کشوری مثل کانادا کرد".

مریم به مادرش گفت " شما پرایم نشان دادید شجاعت یعنی چی. از شما سپاسگزارم".

امسال دو چهره زن ایرانی به عنوان برترین شخصیت های اول جهان نام گرفتند

۱- خانم مریم میرزاخانی



استاد دانشگاه استانفورد دانشگاه دوم جهان و برنده جایزه فیلدز ریاضیات و تنها برنده المپیاد ریاضی تاکنون با نمره ۱۰۰ از ۱۰۰ در تاریخ المپیاد ریاضی جهان

۲- خانم پردیس ثابتی



استاد دانشگاه هاروارد دانشگاه سوم جهان ، و سرپرست گروه مبارزه با بیماری بسیار کشنده ابولا. خانم ثابتی با معدل ۱۰۰ از ۱۰۰ فارغ التحصیل استثنایی و شاگرد اول رشته پزشکی از دانشگاه هاروارد است.

دیلما روسف رییس جمهور برزیل



تو شایسته افتخاری:

به دلیل مبارزه ات در جوانی و هم اکنون برای بهبود و بهروزی وضعیت طبقه کارگر کشورت.

بدلیل کاندید شدن از طرف سندیکاهای کارگری برزیل و رای اعتماد آنان برای رییس جمهور شدنت.

به دلیل اخراج سفیر عربستان از کشورت به سبب تجاوز و قتل عام مردم بی پناه یمن در جنگی ناخواسته.

به دلیل نپذیرفتن سفیر اسرائیل به خاطر سکونت وی در اراضی فلسطینیان

به دلیل خواهش از رهبر جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از اعدام سکینه محمدی و دادن پناهنده گی به سکینه محمدی که موثر واقع شد و وی عفو شد.

به دلیل مبارزه جانانه ات با بیماری سرطان و پیروزی به این بیماری مهلک.

و تلاشت برای بهبود اقتصاد کشورت برزیل.

تو قابل افتخاری

انواع خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان فقط به کتک زدن و تنبیه های جسمی گفته نمی شود. کلمات توهین آمیز، شک، بدبینی که در جماعت مردانه آن را خوش غیرتی می دانند همان خشونتی است که بر زنان به اصطلاح مردان، «ضعیفه» اعمال می شود و هیچ گاه هیچ کس نمی فهمد این زن از چه درد می کشد و چه می خواهد و چه رویاهایی در سر دارد.

بخش اعظم جامعه را زنانی تشکیل داده اند که هیچ از خود و حقوقشان نمی دانند و زن خوب بودن را در کدبانو بودن، شستن، رفتن، پختن و بچه داری می دانند و دلشان خوش است چه موجودات از خود گذشته پاکی هستند و بهشت زیر پای آنها است.

خشونت علیه زنان در همه طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی یافت می شود. زنان در همه دوران زندگی خود ممکن است با خشونت روبه رو شوند. علاوه بر همسر، پدر و برادر و حتی فرزندان پسر نیز می توانند به زن خشونت کنند.

خشونت دیگری که بر علیه زنان صورت می گیرد، خشونت اقتصادی است. ندادن خرجی، سوءاستفاده مالی از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه او را از جمله موارد خشونت اقتصادی علیه زنان برشمرده می شوند. به طوری که در برخی موارد زنان حتی حق دخل و تصرف در اموال خود را نیز ندارند. زنانی که از جانب همسرانشان مورد خشونت قرار می گیرند پنج برابر بیشتر از سایر زنان در معرض آسیب های روانی و خطر خودکشی و شش برابر بیشتر در معرض اختلالات روانی قرار دارند.

روانشناسان می گویند، مردانی که از کودکی در خانواده شاهد کتک خوردن زنان خانواده بوده اند در بزرگسالی بیشتر مرتکب خشونت علیه همسران خود می شوند. افراد ناپخته، بی حوصله، وابسته و متزلزل و کسانی که از احساس بی کفایتی رنج می برند بیشتر علیه زنان مرتکب خشونت می شوند.

برخلاف تصور عموم، حتی دنیای مدرن نیز خشونت علیه زنان را کم نکرده که بیشتر نیز کرده است. تجارت و بهره برداری جنسی از زنان، فروش

دختران جوان و نوجوان از سوی پدران فقیر به مراکز فساد و رونق بازار فیلم‌های غیراخلاقی را باید به عنوان مصادیقی از خشونت مدرن علیه زنان یاد کرد.

مردان از استقلال مالی همسران خود جلوگیری و در اموال شخصی آنها دخل و تصرف می‌کنند و با ندادن خرجی خانه و پول کافی برای زنان مضیقه‌های مالی ایجاد می‌کنند. یا با تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد از زنان بیگاری می‌کشند و از او در انجام امور و وظایفی که مربوط به او نیست همانند تیمارداری پدر یا مادر شوهر سوءاستفاده می‌کنند.

زنانی که در برابر بدرفتاری‌های مرد خود سکوت می‌کنند گویا دارند فریاد می‌زنند: «با من مانند یک برده رفتار کن، مرا بزن، خواهش می‌کنم به من کمی پول بده، من برده تو هستم!»

زنانی که با سوءرفتار شدید جسمی شوهر روبرو هستند و او را ترک نمی‌کنند، مصداق این جملات هستند. وقتی از آنها می‌پرسی «چرا او را ترک نمی‌کنی؟» پاسخ می‌دهند: «من شوهرم را دوست دارم». این مساله بر می‌گردد به احساس نیاز، که در همه دنیا در هر دو روابط مرد و زن دیده می‌شود. زنی که پایگاه‌های اقتصادی خود را رها می‌کند و وارد پیوند زناشویی وی شود وقتی با خشونت مرد روبرو می‌شود از ترک او و نابسامانی اجتماعی و اقتصادی بعد از آن می‌ترسد. وقتی به این نتیجه می‌رسد که حمایت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نخواهد داشت به خود می‌قبولاند که زندگی او همین است. چیزی که در روانشناسی به آن «درماندگی اکتسابی» می‌گویند. از همه بدتر اینکه این گونه زنان به خود لقب «زن سازش‌کار» و «زن صبور» می‌دهند.

زن آسیب دیده، شیری است که خودش قفسی را به دور خود بسته که میله‌های آن از بهانه‌های مختلف ساخته شده است. اگر اعتماد به نفس داشته باشد و این میله‌ها را بشکند آنوقت می‌فهمد که چه موجود قدرتمندی است. تغییر ممکن است اما باید عرصه را به روی توانمندی‌های خود باز کنیم و از شیوه‌های مختلف استمداد بگیریم.

گزارشی از کمپین حمایت از کودکان کار در برابر سرما



کودک کاران در حال دریافت کمک‌های مالی و غذایی از طرف کمپین حمایت از کودکان کار در برابر سرما

اینجا دره تباهی است نه فرحزاد!

در حالی که در شهرهای مختلف ایران کمپین حمایت از کودکان کار در برابر سرما در جریان است، در شهر فرحزاد، دره تباهی حاکم است. در این شهر، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند.



مادران غریب، این کودک را بکشید تا به قهرمان تبدیل شود!
مادران غریب، این کودک را بکشید تا به قهرمان تبدیل شود! این جمله ترسناک از سوی یکی از مادران کودکان کار در فرحزاد شنیده شد.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

در شهر فرحزاد، کودکان کار در معرض خطر سرما قرار دارند و هیچ حمایتی از سوی نهادهای مسئول دریافت نمی‌کنند. این کودکان در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت فوری دارند.

حامی این طرح مردمی، موسسه قانونی پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان شماره ثبت ۳۶۱۱۲ به مدیریت فرشید هکی (حقوق دان) در راستای اصل ۸ قانون اساسی است.

من اگر برخیزم ، تو اگر برخیزی ، همه بر می خیزند

ما نه از شما پول می خواهیم نه کالا. هیچ فرد، موسسه، نهاد یا بنگاهی شال و کلاه (یا بیشتر) را از شما تحویل نمیگیرد. شما "خود" مجری طرح خواهید بود. تاراه بر هر سوء استفاده ی مالی بسته شود.

کافیست با صرف کمی هزینه (حدود ۱۰ هزار تومان)، لباس گرم تهیه کنید و به خیابان (و یا مدارس حاشیه شهرتان) بیايید. کودکان کار همانجا هستند.

منتظر شما و مهربانی شما. شال و کلاهتان (یا بیشتر) را هدیه دهید و برق شادی را در چشمانشان ببینید. برای شاد و گرم کردن این کودکان لطفا:

۱- کلاه، شال، جوراب و لباس گرم تهیه کنید ۲- به مدارس (مقاطع مختلف) حاشیه و پایین شهر بروید ۳- با مدیر هماهنگ کنید ۴- بعد از تحویل هدایا لذت سرما و آرامش وجدان را درک خواهید کرد!!!

اگر دستان تنها و تنها یک کودک هم گرم شود شاد خواهیم بود.

برای اهدای لباس گرم و لقمه های غذا در روز جمعه ۲۹ آبان: انتهای اشرفی اصفهانی - انتهای شهرک نفت - بعد از برج سهند و سبلان - روبروی مجتمع مسکونی البرز (فرهنگیان) جمع می شویم ساعت ۱۰ و به سمت دره ی فرحزاد طی طریق می کنیم تا کودکان محروم را در کمال عزت و با رعایت اصول روانشناختی مهمان کنیم. فرشید هکی مدیر پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان.

پس از این فراخوان و همکاری صمیمانه جوانان عضو پیشتازان عدالت اولین برنامه اجرایی کمپین زمستان گرم، با حضور مدیر پیشتازان عدالت، جناب آقای دکتر فرشید هکی و جمعی از خبرنگاران و شهروندان علاقه مند در محل دره فرحزاد برگزار شد.

در این مراسم حدود ۳۰ نفر از نیروهای خودجوش و مردمی حضور داشتند و حدود ۳۰۰ شال و کلاه و البسه گرم، بین کودکان کار و نیازمند محدوده توزیع شد.

اهدای لقمه های خانگی نیز یکی دیگر از برنامه های ضمنی این طرح بود.

منبع گزارش از سایت کمپین پیشتازان عدالت

درخواست از نهادهای بین المللی کاری برای ثبت و پیگیری شکایات رانندگان اخراجی سندیکا

به گندراسین جهانی اتحادیه های کارگری قدر اسبون بین المللی کارگران حمل و نقل کانتینر سندیکای کارگری آفریقای جنوبی، سندیکای کارگری حمل و نقل لندن، سازمان سراسری سندیکای کارگری سوئد، سندیکای کارگری حمل و نقل سوئد و دیگر شکایات کارگری مربوط و زیرمجموعه آنرا، سندیکای کارگران کانادا اتحاد شورایی تهران و جمعیت مومعین اخراج غیر قانونی «حسین رضا شهباشی» حرمین و همچنین فردینوس، ناصر محمدرضا زاده، حسین کریمی سبزواری و عظام فرحان شیرازی رانندگان غرض سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

با سلام و سپاس از همکاری و پشتیبانی های کارگری شما در اینجا بدوایت ایران غرض سازمان بین المللی های بوده و موظف به رعایت حقوق و آزادی های کارگری می باشد. در شما درخواست می شود نسبت به بی گماری بازرگنت به کار و در ثبت شکایات این کارگران اخراجی اقدامات لازم را در سازمان جهانی کار انجام دهید.

خبر های رسیده از سامانه ها

بنا بر اخبار رسیده از مناطق تعدادی از بزرجشی های مسئولین که در واحدهای اداری و توقفگاه نفتالی می باشد پناهی رانندگان خط ۱۰ بیشترین زحمات شرکت روی دوش آنها است برای آوردن اتوبوس های عمر از بندرعباس به مأموریت فرستاده شده است. همچنین کاتون کاپی رانندگان برای رفتن به ملایری اتوبوس ۱۰ شرایط برابر برخوردار نبوده اند و سلبه های شخصی مدبران موجب تشنج حقوق رانندگان شده است. پیش از هم شاهد بودیم که افرادی بنام یونس، قهرایی، آتواری، سلیمان که در شرکت کارگران با طلب سندیکای شرکت و احراج آنان تقاضای دادگت و خجابت و به کار گرفتن برای همگان اشتکار است برای مقبولیت جاپایی زائران ایرانی به گریلا اعرام شده است.

اعلام شده بود عامل ثبت واحد کارت ۲۸ مرداد در سامانه ۱۸۸۸ حضور یابد و پیگیری نهروندان در حوزه نقل و حرکت خواهد بود. وود انسان حاضر بنده باید زندگانی را که تلمس گرفت و خواهان طرح مشکلات است شرکت واحد برآورد و بعد از بهای ایشان آقای حسیبی معاون بهره برداری در این رانندگان صحبت می کرد و متشانه بر سر این مسئولان سامانه ها افراد تماس گیرنده بود و اظهار و به دلیل تماس با سامانه ۱۸۸۸ آنان را مورد بازخواست قرار دادند.

لازم به یاد آوردی است کارگران اخراجی نامبرده از طریق پورنده سازی های غیر قانونی مراکز ضد سندیکایی نظیر شورای اسلامی کار و مراکز امنیتی و مزیای ادارات تابعه وزارت کار اخراج شده و در دریافت هر گونه حقوق و مزایا و بیمه محروم می باشد. می گریه پناهی این کارگران اخراجی در ادارات وزارت کار تاکنون در نتیجه ای مطالب رسیده است. سندیکای واحد گندمان پیگیر حقوق این آقایان خود و دیگر کارگران شرکت واحد می باشد. در این حال همیستی شما و دفاع از حقوق این کارگران

اخراجی در سازمان جهانی کارمی بنامی دارای تاثیرات مثبت و اثر بخشی باشد. لذا در صورت امکان شما برای پیگیری موارد فوری، لطفا ما را مطلع سازید تا اطلاعات لازم را در اختیار شما قرار دهیم. با سپاس مجدد از همکاری و در تلاش شما در دفاع از کارگران ایران سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هشتم شهریور ۹۴

تجسبی در میان همکاران در تیر ماه سال جاری از طرف اداره خدمات و رفاه سامانه یک تعداد به عدد کارت طبق جهت استفاده همکاران از مجموعه های ورزشی استفاده شهرداری داده شد که پیش از آن کارگران اخراجی بودند که خارج از این کارت ها به همکاران اداره مرکزی راگان داده شده است و حتی برخی از واحد ها به پناه عدد کارت طبق را راگان دریافت کرده اند.

با توجه به سنگینی بی خبری از پی آزادی هرنارسانا به دلیل ظهوری بودن مسیر و صدور خبرنامه های سلبه ای و غیر از ترسانا سندیکای محروم برادری در جهت افزایش غیر قانونی کارگران در نتیجه سرعت زیاد اتوبوس شاهد افزایش تعداد رانندگان اتوبوس با موتور سوزان و غیرترین پناهده مستقیم و غیرمستقیم گندشه رانندگان که ضاداف می کنند از حمایت های شرکت طبق می باشند.

پیشنهادات، انتقادات و گزارش های خود را از طریق ایمیل زنگ خود را با ما مطرح کنید:
آدرس و پستابند سندیکا:
شماره پیامگیر:
۰۲۱۳۰۸۶۷۰۴۷
۰۹۳۰۸۶۶۷۹۹

سندیکا
تاسیس ۱۳۲۳ - به تاسیس ۱۳۴۷
شماره تماس: ۰۲۱۳ - ۸۶۶۷۹۹

آشنایی با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

... با حق گیری اعتراضات و اصیبات تفریق زمین کنده، آزادبازی و عدالت یواقله میلیون ها کارگر صنعت نفت و پدینگ ها و کارخانجات و رنگه های صنعتی تصادی، تجریبات سندیکایی در اضمیانات حق طلبه پیشین به اضمیالات گسترده کیسوری پیوسته و همواره میلیون ها نفر با مردم ایران با امید به بهتر شدن و بهبود شرایط زندگی عمومی مردمان محروم و فرودست به پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ درآوردی رساندند.

متشانه شما در سپوز شدن سال های در تنش اول انقلاب به جای ایجاد شرایط بهتر و آزادی بیشتر برای فعالیت های سندیکای کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در کمال تعجب و ناامواری

انتخابات فرمایشی ضدا کارگری شورا در سامانه نه متوقف شد

انتخابات فرمایشی شورای ضد کارگری که در مرداد ماه سال جاری در سامانه نه شروع شده بود در همان آغاز کار به دلیل تخلفات در انتخابات با شکایات همکاران حق طلب به وزارتکار متوقف شد.

یادآوری شود انتخابات فرمایشی ضد کارگری شورا در سامانه نه و یک سال ۹۲ به حد نصاب نرسیده و در نتیجه در دو سال گذشته این سامانه ها فاقد شورا بود.

اضافه دریافتی مالیات از کارگران به حساب شرکت واحد واریز شد

برابر اخبار موفق رسیده به سندیکا اضافه دریافتی مالیات از حقوق کارگران در سال های ۹۱ و ۹۲ را سازمان مالیاتی به مدیریت آن را به کارگران پرداخت نمی کنند. حساب شرکت واحد واریز کرده است و معلوم نیست چرا

سندیکا
خبرنامه داخلی (غیرقابل فروش)
برای اعیان سندیکای کارگران
شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه
محرره: دهم شهریور سوم
مرداد شهریور ۹۴

ملاحظه شد که میزان فعالیت برای سندیکا بسته و محدود شد و از سوبسی به دلیل عدم آشنایی مدیریت بعد از انقلاب شرکت واحد با مسائل و مشکلات و قوانین کارگری و عدم رعایت حقوق های جمعی در صورت مدیریت وقت شرکت واحد اعتراضات کارگری در شرکت واحد شکل گرفت که به جای رسیدگی علاوه عدالتی از سبوزان و فعالان سندیکای مستگیر زبانی شدند و از طرف مدیریت و وزارتی خارج از شرکت واحد انجمن اسلامی به جای سندیکا جاپگری و صحنه گردان اوباع و اموال از روزهای شرکت واحد شد و این روند در حالی روزی می داد که انجمن اسلامی هیچ جایگاهی در قانون کار ایران نداشت و به دلیل انجام انتخابات با سوی کارگران این انجمن امیلا نمی توانست نمایندگی و سخنگری کارگران داشته باشد.(نامه دار)

کمیته مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
شعبه مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
شعبه مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
شعبه مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

جمله آقای نماینده اولاد مجلس شورای اسلامی محترم و به استحضار می رسد
کمیته مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۰۱
شماره: ۱۳۹۲/۰۹/۰۱
موضوع: ...



سپاسگزار ز حماقت هستم، همراهِ من